

اندیشه نیک



کردار نیک

گفتار نیک

بستون

نیشته های آریایی

پژوهش:

آرمین کسروی

www.zoroaster7.persianblog.com

فهرست:

بیستون.....	۳
نقش برجسته و کتیبه بیستون.....	۴
جزئیات کتیبه و نقش برجسته بیستون.....	۶
متن کتیبه داریوش بزرگ شاهنشاه هخامنشی در بیستون.....	۹
از گمانه زنی ها تا کشف و اقصیتهای بیستون.....	۴۰
خط میخی چیست؟.....	۴۲
خط میخی پارسی باستان.....	۴۳
سازنده خط میخی پارسی باستان کیست؟.....	۴۵
واژگان.....	۴۹
منابع.....	۶۹

بیستون

بیستون، بیستون، بیستون، بهیستون نام امروزی یک صخره برافراشته در شمال یک راه باستانی پر رفت و آمد که محل عبور کاروانها و نظامیان از بابل و بغداد به سوی کوههای زاگرس و همدان (اکباتان) بود، می باشد. بیستون در ۳۴ درجه و ۳۵ دقیقه شمال عرض جغرافیایی و ۴۵ درجه و ۲۷ دقیقه شرق طول جغرافیایی در فاصله حدوداً ۳۲ کیلومتری شرق شهر کرمانشاه قرار دارد. همچنین نام روستایی که در نزدیکی این صخره قرار دارد هم بیستون می باشد. نام پارسی باستان این کوه بَگستان و بگستان به معنی جایگاه خدایان و در نوشته های یونانی بگیستانن (أروس) می باشد. در آثار جغرافیدانان عرب سده های میانی مثل ابن حوقل، اصطخری و یاقوت هم این کوه بهستون، بهستون (ستونهای خوب) و بهیستان آمده است. در مجموع دگرگونی این واژه بدین گونه است: بَگستان - بگستان - بهستون - بهستان - بیستون.

بیستون به علت شرایط جغرافیایی همیشه از آغاز زندگی بشر تا به امروز مورد توجه بوده و آثاری از هر دوره ای از تاریخ را در خود جای داده است. امروزه در محوطه تاریخی بیستون بطول تقریبی ۵ کیلومتر و عرض ۳ کیلومتر که آثاری را از دوران پیش از تاریخ تا به امروز در بردارد ۲۸ اثر در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است که شامل:

۱- غار شکارچیان- ۲- غار مَر خزل- ۳- غار مَر تاریک- ۴- غار مَر آفتاب- ۵- غار مَر دودر- ۶- تپه نادری- ۷- سراب بیستون- ۸- جاده تاریخی حاشیه سراب- ۹- بقایای گورستان قدیمی- ۱۰- دژ تاریخی مدفون- ۱۱- نیایشگاه مادی- ۱۲- نقش برجسته و کتیبه داریوش بزرگ- ۱۳- مجسمه هرکول- ۱۴- نقش برجسته متریدات دوم- ۱۵- نقش برجسته گودرز- ۱۶- سنگ بلاش- ۱۷- پرستشگاه پارتی- ۱۸- بقایای شهر پارتی- ۱۹- بقایای بنای ساسانی- ۲۰- فرهاد تراش- ۲۱- بقایای پل ساسانی- ۲۲- بقایای سد ساسانی- ۲۳- سنگهای تراشخورده ساسانی- ۲۴- کاروانسرای ایلخانی- ۲۵- بقایای بنای ایلخانی- ۲۶- کاروانسرای صفوی- ۲۷- وقف نامه شیخ علی خان زنگنه- ۲۸- پل بیستون.

مهمترین و مشهورترین اثر باستانی در این محوطه نقش برجسته و کتیبه داریوش بزرگ می باشد که به نخستین سال فرمانروایی داریوش بزرگ از زبان خود او می پردازد. با آشنا شدن با این اثر باستانی می توانیم خط میخی پارسی باستان را بشناسیم و در مورد ریخت شناسی، پوشاک، طرز آرایش

سر و صورت، اسلحه شناسی و اعتقادات مذهبی مردمان ۲۵۰۰ سال پیش در امپراطوری هخامنشیان، اطلاعات ارزنده ای بدست آوریم.

نقش برجسته و گتپه بیستون

سنگ نبشته سه زبانه بیستون، به نخستین سال فرمانروایی داریوش بزرگ از زبان خود او می پردازد. سالی که داریوش، سراسر آن را در جنگ با شاهان دروغزن سپری کرد. پس از کشته شدن بردیا و افتادن حکومت به دست داریوش، در سراسر امپراطوری هخامنشی ۱۹ شورش بزرگ و کوچک اتفاق افتاد. داریوش بزرگ پس از اینکه این شورش ها را فرونشاند تصمیم گرفت که مردم امپراطوریش را (و جهان پس از خود را) در جریان چگونگی به دست گرفتن قدرت و نخستین سال فرمانروایش قرار دهد. او این بنای یادبود و بیانیه مهم را در بیستون بر سر یک راه کهن به ثبت رساند. راهی پر رفت و آمد که محل عبور کاروانها و نظامیان از بابل و بغداد به سوی کوههای زاگرس و همدان بود و بعلت جایگاه ویژه اش که از دیر باز سرزمین خدایان (بغستان) نامیده می شد شهرت داشت. این نقش برجسته، نگاره داریوش و اسیران، در سطحی عمودی به بلندی ۳ متر و در پهنای ۵/۵ متر قرار دارد. داریوش لباس پارسی بر تن کرده ریشی اشوری دارد و افسری کنگره دار بر سر گذاشته است و در سمت چپ مجلس بیستون قرار دارد. اندازه داریوش در مقایسه با اسیران برای نشان دادن شکوه و عظمت این مجلس، بزرگ تر می باشد. بلندی قامت اسیران ۱/۱۷ و بلندی قامت داریوش ۱/۷۲ متر می باشد. دو تن از یاران داریوش (هفت تنان)، ویندفرناه کمان دار و گئوبروه (گوبریاس) نیزه دار، پشت سر او ایستاده اند. داریوش که در دست چپش کمانی دارد پای چپ خود را بر سینه نخستین دشمنش، گئومات مَعُ گذاشته است و گئومات دست هایش را به حالت التماس به بالا دراز کرده است. پشت سر گئومات صف ۸ تن اسیر قرار دارد. که به ترتیب نامهای آنها آخرین، ندئیت بَئیر، فرورتیش، مرتی ی، چپسن تخمه، وه یزدات، آرخ و فراد می باشند و گردن های این اسیران را با طناب به یکدیگر و دست هایشان را از پشت سر بسته اند. [بعدها اسیر نهم یعنی سکونخای سکایی با خود تیز به جمع اسیران اضافه گردید]. بر فراز سر اسیران، رو به روی داریوش، نگاره فرّوهر قرار دارد و داریوش دست راست خود را به نشانه نیایش اهورامزدا به بالا بلند کرده است. در فضای بالای سر داریوش نبشته ای کوتاه (Dba) آمده است. متن این نبشته چنین است.

بند ۱- من داریوش، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه در پارس، شاه کشورها، پسر ویشتاسپ، نوه ارشام
هخامنشی

بند ۲- داریوش شاه گوید: پدر من ویشتاسپ، پدر ویشتاسپ ارشام، پدر ارشام آریامن، پدر آریامن چیش
پیش، پدر چیش پیش هخامنش.

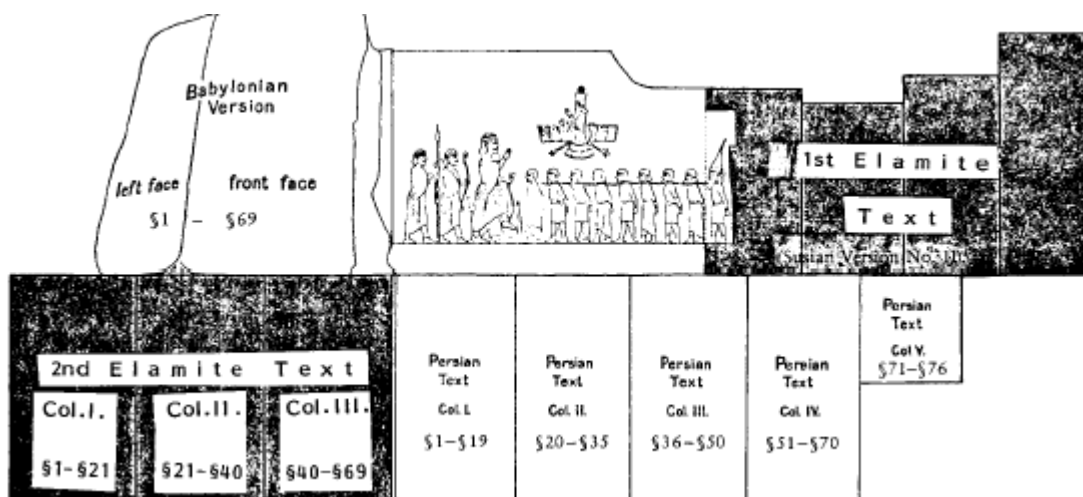
بند ۳- داریوش شاه گوید: بدین جهت ما هخامنشی خوانده می شویم [که] از دیرگاهان اصیل هستیم.
از دیرگاهان تخمه ما شاهان بودند.

بند ۴- داریوش شاه گوید: هشت [تن] از تخمه من شاه بوده اند. من نهمین [هستم]. ما نه [تن] پشت اندر
پشت (در دو شاخه) شاه هستیم.

داریوش در چند مرحله بعدی بیانیه تاریخی خود را که نخستین اثر تاریخی مکتوب ایرانیان است،
تکمیل کرد. امروزه از سنگ نبشته بیستون ۴ متن در دست داریم: متن پارسی باستان، متن
ایلامی، متن بابلی و متن ترجمه آرامی متن پارسی باستان که ظاهراً به صورت بخشنامه برای آگاهی
ساتراپی های گوناگون به جاهای دور و نزدیک فرستاده شده است و نسخه ای از آن از الفاتین
مصر به دست باستان شناسان افتاده است و در بابل هم قطعه ای از نگاره بیستون به دست آمده است.
داریوش در بیستون (ستون ۴ بند ۱۵) می گوید: تو که پس از این، این نبشته و نگاره را می بینی، مبادا
به آن ها آسیب بزنی. تا می توانی آن ها را همان گونه که می بینی، نگهداری کن. ولی گذر زمان
و فرسایش های ناشی از باران و باد تمام سنگ نبشته ها را و مخصوصاً سنگ نبشته به زبان بابلی را
دچار آسیب های فراوانی کرده است. ولی بیشترین خسارت در همین قرن اخیر اتفاق افتاده
است. زمانی که سربازانی که در جنگ جهانی دوم در پایین جاده بیستون گشت زنی می
کردند نگارها و کتیبه با ارزش بیستون را هدف گرفتند و آسیب های جبران ناپذیری را به این اثر
تاریخی وارد کردند. ولی ما باید از داریوش بزرگ سپاسگزاری کنیم بخاطر اینکه بعد از اتمام کار
بنای یادبود بیستون فرمان داد که زیر این بنای یادبود را بتراشند و همین عمل باعث شد که تا قرن
ها دست بشر این اثر با ارزش تاریخی را لمس نکند و از آسیب های ناشی از خوی زشت انسانها دور
نگهداشته شود.

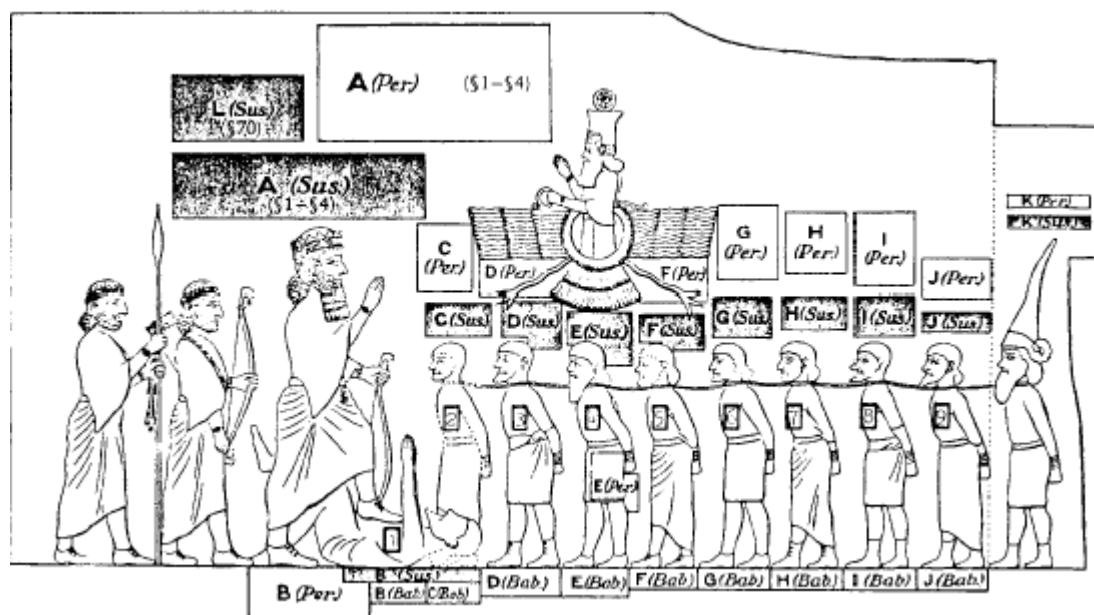
نکته جالبی که در مورد این نقش برجسته وجود دارد شباهت زیاد آن با نگاره شاه لولوبی ها، انوبنی نی است که در ۱۴۰ کیلومتری بیستون در سرپل ذهاب قرار دارد. در این نگاره هم انوبنی نی کمانی در دست چپ و تبرزینی در دست راست خود دارد و پای خود را بر سینه دشمنی که بر زمین افتاده نهاده است. و الهه ایشتار در حال دادن حلقه حکومت به اوست. شش اسیر در زیر پای انوبنی نی نقش بسته اند و دو اسیر هم روبروی انوبنی نی در حالیکه دستهایشان از پشت بسته شده طنابی به گردن یکی از آنها آویخته شده که به زمین کشیده می شود. این احتمال وجود دارد که داریوش پیش از فرمان حجاری ها در بیستون، نگاره انوبنی نی را دیده بوده است و یا شاید هم این شباهت فقط یک تصادف باشد.

جزئیات نقش برجسته و کتیبه بیستون



همانطور که پیشتر اشاره شد این کتیبه سه زبانه است و به سه زبان پارسی باستان، ایلامی و بابلی نوشته شده است. که قطعه زبان ایلامی در قسمت راست بالا و قسمت چپ پایین این بنای یادبود در تصویر مشخص می باشد. قطعه سمت چپ پایین به زبان ایلامی دارای سه ستون می باشد که ستون اول از بند ۱ تا بند ۲۱ ستون دوم از بند ۲۱ تا بند ۴۰ و ستون سوم از بند ۴۰ تا بند ۶۹ را شامل می شود. قطعه به زبان بابلی هم در قسمت چپ بالای این بنای یادبود قرار گرفته است که دارای دو

سطح می باشد سطح سمت چپ و سطح روبرو که در مجموع ۶۹ بند را در بردارند. قسمت اصلی این بنای یادبود قطعه به زبان پارسی باستان می باشد که در قسمت زیرین این اثر قرار گرفته است. که دارای ۵ ستون می باشد که ستون اول بندهای ۱ تا ۱۹ ستون دوم ۲۰ تا ۳۵ ستون سوم ۳۶ تا ۵۰ ستون چهارم ۵۱ تا ۷۰ و ستون پنجم بندهای ۷۱ تا ۷۶ را شامل می شود. که در مجموع این پنج ستون ۴۱۴ خط و ۳۶۰۰ واژه به زبان پارسی باستان دارد. اینها تنها قطعه های بزرگ این بنای یادبود هستند ولی در این اثر قطعه های کوچکی هم وجود دارند که به سه زبان پارسی باستان، ایلامی و بابلی در فضای بالای نقش برجسته داریوش و همچنین در قسمت زیرین نقش برجسته قرار دارند این قسمتهای کوچک بنظر می رسد که حکم تزیینات این اثر بزرگ را داشته باشند. باز همانطور که در اشاره شد این بنا یک سیر تکاملی را پیموده است و بتدریج و در هفت مرحله کامل گردیده است. در مرحله اول تنها نقش برجسته داریوش و اسیران بدون نقش آخرین اسیر (سکونخا با خود تیز) بر سنگها صخره بیستون نقش شده است. در مرحله دوم قطعه به زبان ایلامی با ۶۹ بند به آن اضافه شده است. در مرحله سوم قطعه به زبان بابلی نوشته شده است. و در مرحله چهارم که خط پارسی باستان به فرمان داریوش بزرگ ابداع می شود قطعه زبان پارسی باستان با ۷۰ بند در زیر این نقش برجسته حک می شود. در مرحله پنجم تصویر سکونخا آخرین شاه دروغزن نقش می بندد و اولین نوشته به زبان ایلامی که در قسمت سمت راست بالای این اثر می باشد حذف می شود و قطعه دوم به زبان ایلامی در قسمت سمت چپ پایین که کپی همان قطعه ابتدایی بوده نوشته می شود. در مرحله ششم بندهای ۷۱ تا ۷۶ به زبان پارسی باستان که ستون پنجم این قطعه می باشد نوشته می شود و در مرحله هفتم قطعه کوچکی به زبان پارسی باستان (DBa) با ۴ بند در بالای سر داریوش بزرگ و فروهر قرار می گیرد.



همانطور که در شکل بالا مشخص است این نقش برجسته چندین قطعه کوچک که به زبانهای پارسی باستان، ایلامی و بابلی نوشته شده است را در خود دارد. در اینجا ما به یازده قطعه کوچکی که به زبان پارسی باستان نوشته شده اند می پردازیم. آنها شامل:

DBa این قطعه که چهار بند و هجده خط دارد همان نوشته های چهار بند ستون اول است.

DBb این قطعه هفت خط دارد و ترجمه آن این است: این گئومات مَع است. او دروغ گفت: من بردیا پسر کورش هستم. من شاه هستم.

DBc این قطعه ده خط دارد و ترجمه آن این است: این آثرین است. او دروغ گفت. چنین گفت: من در عیلام شاه هستم.

DBd این قطعه هشت خط دارد. و ترجمه آن این است: این ندئیت بَ ئیر است. او دروغ گفت: چنین گفت: من نبوگدرچَر پسر نبون ئیت هستم. من شاه در بابل هستم.

DBe این قطعه یازده خط دارد. و ترجمه آن این است: این فرورَ تیش است. او دروغ گفت. چنین گفت: من خشَ ثرئیت از دودمان هُوَ خَشتر هستم. من شاه ماد هستم.

DBf این قطعه هفت خط دارد. و ترجمه آن این است: این مَر تی ی است. او دروغ گفت. چنین گفت: من ایمنیش در عیلام شاه هستم.

DBg این قطعه دوازده خط دارد. و ترجمه آن این است: این چیسَن تَخَمه است. او دروغ گفت و چنین گفت: من در سگارتیه شاه هستم از دودمان هُوَ خَشتر.

DBh این قطعه نه خط دارد. و ترجمه آن این است: این وه یَز دات است. او دروغ گفت: چنین گفت: من بردی ی پسر کورش هستم. من شاه هستم.

DBi این قطعه یازده خط دارد. و ترجمه آن چنین است. این آرَخ است. او دروغ گفت. چنین گفت: من نبوگدرچَر پسر نبون ئیت هستم. من شاه در بابل هستم.

DBj این قطعه شش خط دارد. و ترجمه آن چنین است: این فراذ است. او دروغ گفت. چنین گفت: من در مرو شاه هستم.

DBk این قطعه دو خط دارد. و ترجمه آن چنین است: این سکونخای سکایی است.

گفته شده بود که پنج ستون بزرگ به زبان پارسی باستان شامل ۴۱۴ خط می باشند. اگر تعداد خطهایی که در قطعه های کوچک به زبان پارسی باستان را هم به آن اضافه کنیم مجموع خطهایی که به زبان پارسی باستان نوشته شده اند برابر است با ۵۱۵ خط .

توضیحات:

۱- در اینجا منظور از خط یعنی ردیف. گاهی تنها یک حرف الفبا یک خط یا یک ردیف را تشکیل می هد.

۲- $\{a, b, c, \dots\}$ DBa حرف D مخفف داریوش. حرف B مخفف، بیستون و حروف کوچک

$\{a, b, c\}$ یعنی قطعه های کوچک $\{a, b, c\}$

متن کتیبه داریوش بزرگ شاهنشاه هخامنشی در بیستون

DB

ستون ۱

نویسه لاتین متن پارسی باستان	برگردان به پارسی
1 : adam : Dârayavaush : xshâyathiya : vazraka : xshâyatha : xshâyathiy	(1.1-3.) 1. من داریوش، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه در پارس، شاه کشورها، پسر ویشتاسپ، نوه ارشام هخامنشی
2 ânâm : xshâyathiya : Pârsaiy : xshâyathiya : dahyûnâm : Visht	(1.3-6.) 2 داریوش شاه گوید: پدر من ویشتاسپ، پدر ویشتاسپ ارشام، پدر ارشام آریامن، پدر آریامن چیش پیش، پدر چیش پیش هخامنش.
3 âspahyâ : puça : Arshâmahyâ napâ : Haxâmanishiya : thâtiy :	(1.6-8.) 3 داریوش شاه گوید: بدین جهت ما هخامنشی خوانده می شویم [که] از دیرگاهان اصیل هستیم. از دیرگاهان تخمه ما شاهان بودند.
4 Dârayavaush : xshâyathiya : manâ :	

pitâ : Vishtâspa : Vishtâspahyâ : pitâ : Arsh	4. (1.8-11.) داریوش شاه گوید: هشت[تن] از تخمه من شاه بوده اند. من نهمین[هستم]. ما نه[تن] پشت اندر پشت(در دو شاخه) شاه هستیم.
5 âma : Arshâmahyâ : pitâ : Ariyâramna : Ariyâramnahyâ : pitâ: Cishpish : Cishp	5. (1.11-2.) داریوش شاه گوید: به خواست اهورامزدا من شاه هستم. اهورامزدا شاهی را به من داد.
6 âish : pitâ : Haxâmanish : thâtiy : Dârayavaush : xshâthiya : avahyarâ	6. (1.12-7.) داریوش شاه گوید: این[است] کشورهایی که از آن من شدند به خواست اهورامزدا من شاه آنها بودم. پارس، عیلام، بابل، آشور، عرب، مودرای، اهل دریا، سارد، یونان، ماد، ارمنستان، کپدوکیه، پارت، زرننگ، هرئی و خوارزم، باختر، سغد، گدار، سگ، تبت، گوش، رُخج، مک، جمعا ۲۳ کشور.
7 diy : vayam : Haxâmanishiyâ : thahyâmahy : hacâ : paruviyata : âmâtâ : ama	7. (1.17-20.) داریوش شاه گوید: این[است] کشورهایی که از آن من شدند. به خواست اهورامزدا بندگان من بودند. به من باج دادند. آنچه از طرف من به آنها گفته شد چه شب چه روز همان کرده شد.
8 hy hacâ : paruviyata :hyâ :amâxam : taumâ : xshâyathiyâ : âha : th	8. (1.20-4.) داریوش شاه گوید: در این کشورها مردی که با وفا بود او را پاداش خوب دادم آنکه بی وفا بود او را سخت کیفر دادم. به خواست اهورامزدا این[است] کشورهایی که بر قانون من احترام گذاشتند. آن طوری که به آنها از طرف من گفته شد همان کرده شد.
9 âtiy : Dârayavaush : xshâyathiya : VIII : manâ : taumâyâ : tyaiy : paruvam	9. (1.24-26.) داریوش شاه گوید: اهورامزدا این پادشاهی داد. اهورامزدا مرا یاری کرد تا این شاهی به دست آوردم. بیاری اهورامزدا این شاهی را دارم.
10 xshâyathiyâ : âha : adam navama : IX : duvitâparanam : vavam : xshâyathi	10. (1.26-35.) داریوش شاه گوید: این[است] آنچه به وسیله من کرده شد پس از آن که شاه شدم. کبوجیه نام پسر کورش از تخمه ما او اینجا شاه بود. همان کبوجیه را برادری بود بردی ی نام هم مادر [و] هم پدر با کبوجیه. پس از آن کبوجیه آن بردی ی را بگشت، به مردم معلوم نشد که بردی ی کشته شده. پس از آن کبوجیه رهسپار مصر شد وقتی که کبوجیه رهسپار مصر شد مردم نافرمان شدند. پس از آن دروغ در کشور بسیار شد. هم در پارس هم در ماد هم در سایر کشورها.
11 yâ : amahy : thâtiy : Dârayavaush : xshâyathiya : vashnâ : Auramazd	11. (1.35-43.) داریوش شاه گوید: پس از آن مردی مغ بود گنومات نام. او از پنیسی یاوودا برخاست. کوهی [است] آرکدریش نام. چون از آنجا برخاست از ماه وی یخن چهارده روز گذشته بود. او به مردم چنان دروغ گفت: [که] من بردی ی پسر کورش برادر کبوجیه هستم. پس از آن مردم همه از کبوجیه برگشته به سوی او شدند هم پارس هم ماد و هم سایر کشورها. شاهی را او برای خود گرفت. از ماه گرم پد ۹ روز گذشته بود آنگاه شاهی را برای خود گرفت. پس از آن کبوجیه به دست خود مُرد.
12 âha : adam : xshâyathiya : amiy : Auzamazdâ : xshaçam : manâ : frâbara : th	12. (1.43-8.) داریوش شاه گوید: این شاهی که گنومات
13 âtiy : Dârayavaush : xshâyathiya : imâ : dahyâva : tyâ : manâ : patiyâisha : vashn	
14 â : Auramazdâha : adamshâm : xshâyathiya : âham : Pârsa : Ūvja : Bâbirush : A	
15 thurâ : Arabâya : Mudrâya : tyaiy : drayahyâ : Sparda : Yauna : Mâda : Armina : Kat	
16 patuka : Parthava : Zraka : Haraiva : Uvârazmîy : Bâxtrish : Suguda : Gadâra : Sa	
17 ka : Thatagush : Harauvatish : Maka : fraharavam : dahyâva :	

XXIII : thâtiy : Dâra	مُغ از کبوجیه ستانده بود این شاهی از دیرگاهان در تخمه ما بود. پس از آن گنومات مُغ از کبوجیه ستاند. هم پارس هم ماد هم سایر کشورها را او تصرف نمود از آن خود کرد او شاه شد.
18 yavaush : xshâyathiya : imâ : dahyâva : tyâ : manâ : patiyâita : vashnâ : Au	(1.48-61.) 13. داریوش شاه گوید: نبود مردی نه پارسی نه مادی نه هیچ کسی از تخمه ما که شاهی را از گنومات مُغ بازستاند. مردم شدیداً از او می ترسیدند که مبادا مردم بسیاری را که پیش از آن بردی ی را شناخته بودند بکشد. بدان جهت مردم را می کشت که مبادا مرا بشناسند که من بردی ی پسر کورش نیستم». هیچ کس یاری گرفتن چیزی درباره گنومات مُغ نداشت تا من رسیدم. پس از آن من از اهورامزدا مدد خواستم. اهورامزدا به من یاری ارزانی فرمود. از ماه باگیادیش ۱۰ روز گذشته بود. آنگاه من با چند مرد آن گنومات مغ و آنهایی را که برترین مردان دستیار [او] بودند گشتم. دژی سیک ی ووتیش نام سرزمینی نی سای نام در ماد آنجا او را کشتم. شاهی را از او ستاندم. به خواست اهورامزدا من شاه شدم. اهورامزدا شاهی را به من داد.
19 ramazdâha : manâ : badakâ : âhatâ : manâ : bâjim : abaratâ : tyashâm : hacâma	(1.61-71.) 14. داریوش شاه گوید: شاهی را که از تخمه ما برداشته شده بود آن را من برپا کردم. من آن را در جایش استوار نمودم. چنانچه پیش از این [بود] همان طور من کردم. من پرستشگاه هایی را که گنومات مغ ویران کرده بود مرمت نمودم. به مردم چراگاه ها و رمه ها و غلامان و خانه هایی را که گنومات مغ ستانده بود بازگرداندم. من مردم را در جایشان استوار نمودم هم پارس هم ماد و سایر کشورها را. چنانچه پیش از این [بود] آن طور من کوشیدم به خواست اهورامزدا تا گنومات مغ خاندان ما را نگیرد.
20 : athahya : xshapava : raucapativâ : ava : akunavayatâ : thâtiy : Dârayava	(1.71-2.) 15. داریوش شاه گوید: این [است] آنچه من کردم پس از آنکه شاه شدم.
21 ush : xshâyathiya : atar : imâ : dahyâva : martiya : hya : âgariya : âha : avam : u	(1.72-81.) 16. داریوش شاه گوید: چون من گنومات مغ را کشتم پس از آن مردی آثرین نام پسر او پدram او در عیلام برخاست. به مردم چنین گفت: من در عیلام شاه هستم. پس از آن عیلامیان نافرمان شدند. به طرف آن آثرین گرویدند. او در عیلام شاه شد. و مردی بابلی ندئیت ب ئیر نام پسر ائین ئیر او در بابل برخاست. چنین مردم را بفریفت [که] من نبوکدرچر پسر نبون ئیت هستم. پس از آن همه مردم بابلی به طرف آن ندئیت ب ئیر گرویدند. بابل نافرمان شد. او شاهی را در بابل گرفت.
22 bartam : abaram : hya : arika : âha : avam : ufrastam : aparsam : vashnâ : Auramazdâ	(1.81-3.) 17. داریوش شاه گوید: پس از آن من به عیلام [پیام] فرستادم. این آثرین بسته به سوی من آورده شد. من او را کشتم.
23 ha : imâ : dahyâva : tyanâ : manâ : dâtâ : apariyâya : yathâshâm : hacâma : athah	(1.83-90.) 18. داریوش شاه گوید: پس از آن من رهسپار
24 ya : avathâ : akunavayatâ : thâtiy : Dârayavaush : xshâyathiya : Auramazdâ	
25 maïy : ima xshaçam : frâbara : Auramazdâmaïy : upastâm : abara : yâtâ : ima : xshaçam :	
26 hamadârayaiy : vashnâ : Auramazdâha : ima : xshaçam : dârayâmiy : thâ	
27 tiy : Dârayavaush : xshâyathiya : ima : tya : manâ : kartam : pasâva : yathâ : xsh	
28 âyathiya : abavam : Kabûjiya : nâma : Kûraush : puça : amâxam : taumây	
29 â : hauvam : idâ : xshâyathiya : âha : avahyâ : Kabûjiyahyâ : brâ	
30 tâ : Bardîya : nâma : âha : hamâtâ :	

hamapitâ : Kabûjyahyâ : pasâva : Ka	بابل شدم. به سوی آن ندئیت ب ئیر که خود را نبوگدرچر می خواند. سپاه ندئیت ب ئیر دجله را در دست داشت. آنجا ایستاد و آب عمیق بود. پس از آن من سپاه را بر مشکها قرار دادم پاره ای بر شتر سوار کردم برای عده ای اسب تهیه کردم. اهورامزدا به من یاری ارزانی فرمود به خواست اهورامزدا دجله را گذشتم. آنجا آن سپاه ندئیت ب ئیر را بسیار زدم. از ماه اثری یادی ی ۲۶ روز گذشته بود.
31 bûjiya : avam : Bardiyam : avâja : yathâ : Kabûjiya : Bardiyam : avâja : kârahy	
32 â : naiy : azdâ : abava : tya : Bardiya : avajata : pasâva : Kabûjiya : Mudrâyam	19. (1.90-6). داریوش شاه گوید: پس از آن من رهسپار بابل شدم. هنوز به بابل نرسیده بودم شهری زازن نام کنار فرات آنجا این ندئیت ب ئیر که خود را نبوگدرچر می خواند با سپاه بر ضد من به جنگ کردن آمد. پس از آن جنگ کردم. اهورامزدا به من یاری ارزانی فرمود. به خواست اهورا مزدا من سپاه ندئیت ب ئیر را بسیار زدم. بقیه به آب انداخته شد. آب آن را برد. از ماه انامک ۲ روز گذشته بود که چنین جنگ کردیم.
33 : ashiyava : yathâ : Kabûjiya : Mudrâyam : ashiyava : pasâva : kâra : arika : abava	
34 : pasâva : drauga : dahyauvâ : vasiy : abava : utâ : Pârsaiy : utâ : Mâdaiy : ut	
35 â : aniyâuvâ : dahyushuvâ : thâtiy : Dârayavaush : xshâyathiya : pa	
36 sâva : I martiya : magush : âha : Gaumâta : nâma : hauv : udapatatâ : hacâ : Paishi	
37 yâuvâdâyâ : Arakadrish : nâma : kaufâ : hacâ : avadasha : Viyaxnahya : mâh	
38 yâ : XIV : raucabish : thakatâ : âha : yadiy : udapatatâ : hauv : kârahyâ : avathâ	
39 : adurujiya : adam : Bardiya : amiy : hya : Kûraush : puça : Kabûjyahyâ : br	
40 âtâ : pasâva : kâra : haruva : hamiçiya : abava : hacâ : Kabûjiyâ : abiy : avam :	
41 ashiyava : utâ : Pârsa : utâ : Mâda : utâ : aniyâ : dahyâva : xshaçam : hauv	
42 : agarbâyatâ : Garmapadahya : mâhyâ : IX : raucabish : thakatâ : âha : avathâ : xsha	
43 çam : agarbâyatâ : pasâva : Kabûjiya : uvâmarshiyush :	

amariyatâ : thâtiy	
44 : Dârayavaush : xshâyathiya : aita : xshaçam : tya : Gaumâta : hya : magush : adîn	
45 â : Kabûjijam : aita : xshaçam : hacâ : paruviyata : amâxam : taumâyâ : â	
46 ha : pasâva : Gaumâta : hya : adînâ : Kabûjijam : utâ : Pârsam : utâ	
47 : Mâdam : utâ : aniyâ : dahyâva : hauv : âyasatâ : uvâpashiyam : akutâ : hau	
48 v : xshâyathiya : abava : thâtiy : Dârayavaush : xshâyathiya : naiy : âha : martiya :	
49 naiy : Pârsa : naiy : Mâda : naiy : amâxam : taumâyâ : kashciy : hya : avam : Gau	
50 mâtam : tyam : magum : xshaçam : dîtam : caxriyâ : kârashim : hacâ : darsham : a	
51 tarsi : kâram : vasiy : avâjaniyâ : hya : paranam : Bardiyam : adânâ : avahyar	
52 âdiy : kâram : avâjaniyâ : mâtyamâm : xshnâsâtiy : tya : adam : naiy : Bard	
53 iya : amiy : hya : Kûraush : puça : kashciy : naiy : adarshnaush : cishciy : thastana	
54 iy : pariy : Gaumâtam : tyam : magum : yâtâ : adam : arasam : pasâva : adam : Aura	
55 maz(d)âm : patiyâvahyaiy : Auramazdâmai : upastâm : abara : Bâgayâdaish :	
56 mâhyâ : X : raucabish : thakatâ :	

âha : avathâ : adam : hadâ :
kamnaibish : martiyaibi

57 sh : avam : Gaumâtam : tyam :
magum avâjanam : utâ : tyaishaiy :
fratamâ : mar

58 tiyâ : anushiyâ : âhatâ :
Sikayauvatish : nâmâ : didâ : Nisâya :
nâ

59 mâ : dahyâush : Mâdaiy :
avadashim : avâjanam :
xshaçamshim : adam : adînam : va

60 shnâ : Auramazdâha : adam :
xshâyathiya : abavam : Auramazdâ :
xshaçam : manâ : fr

61 âbara : thâtiy : Dârayavaush :
xshâyathiya : xshaçam : tya : hacâ :
amâxam ta

62 umâyâ : parâbartam : âha : ava :
adam : patipadam : akunavam :
adamshim : gâtha

63 vâ : avâstâyam : yathâ :
paruvamciy : avayjâ : adam :
akuravam : âyadan

64 â : tyâ : Gaumâta : hya : magush :
viyaka : adam : niyaçârayam :
kârahyâ : abi

65 carish : gaithâmcâ : mâniyamcâ :
vithbishcâ : tyâdish : Gaumâta : hya :

66 magush : adînâ : adam : kâram :
gâthavâ : avâstâyam : Pârsamcâ :
Mâdamc

67 â : utâ : aniyâ : dahyâva : yathâ :
paruvamciy : avathâ : adam : tya :
parâbarta

68 m : patiyabaram : vashnâ :
Auramazdâha : ima : adam :
akunavam : adam : hamataxshaiy :

69 yâtâ : vitham : tyâm : amâxam :
gâthavâ : avâstâyam : yathâ :
paruvamciy :

70 avathâ : adam : hamataxshaiy :
vashnâ : Auramazdâha : yathâ :
Gaumâta : hya : magu

71 sh : vitham : tyâm : amâxam :
naiy : parâbara : thâtiy :
Dârayavaush : xshâyath

72 iya : ima : tya : adam : akunavam :
pasâva : yathâ : xshâyathiya :
abavam : thâtiy

73 : Dârayavaush : xshâyathiya :
yathâ : adam : Gaumâtam : tyam :
magum avâjanam : pa

74 sâva : I martiya : Âçina : nâma :
Upadarmahyâ : puça : hauv :
udapatatâ : Ûvjai

75 y : kêrahyâ : avathâ : athaha :
adam : Ûvjaiy : xshâyathiya : amiy :
pasâva : Ûv

76 jiyâ : hamiçiyâ : abava : abiy :
avam : Âçinam : ashiyava : hauv :
xshâyathiya

77 abava : Ûvjaiy : utâ : I martiya :
Bâbiruviya : Naditabaira : nâma :
Ainairahy

78 â : puça : hauv : udapatati :
Bibirauv : kiram avafi : adurujiya :
adam : Nab

79 ukudracara : amiy : hya :
Nabunaitahyâ : puça : pasâva : kêra :
hya : Bâbiruviya

80 : haruva : abiy : avam :
Naditabairam : ashiyava : Bâbirush :
hamiçiya : abava : x

81 shaçam : tya : Bâbirauv : hauv :
agarbâyatâ : thâtiy : Dârayavaush :

<p>xshâya</p> <p>82 thiya : pasâva : adam : frâishayam : Ûvjam : hauv : Âçina : basta : anayatâ : abiy : mâ</p> <p>83 m : adamshim : avâjanam : thâtiy : Dârayavaush : xshâyathiya : pasâva : adam : Bâ</p> <p>84 birum : ashiyavam : abiy : avam : Naditabairam : hya : Nabukudracara : agaubatâ</p> <p>85 : kara : hya : Naditabairahyâ : Tigrâm : adâraya : avadâ : aishtatâ : utâ</p> <p>86 abish : nâviyâ : âha : pasâva : adam : kâram : mashkâuvâ : avâkanam : aniyam : usha</p> <p>87 bârim : akunavam : aniyahyâ : asam : frânayam : Auramazdâmai : upastâm</p> <p>88 : abara : vashnâ : Auramazdâha : Tigrâm : viyatarayâmâ : avadâ : avam : kâram :</p> <p>89 tyam : Naditabairahyâ : adam : ajanam : vasiy : Âçiyâdiyahya : mâhyâ : XXVI : rau</p> <p>90 cabish : thakatâ : âha : avathâ : hamaranam : akumâ : thâtiy : Dârayavaush : x</p> <p>91 shâyathiya : pasâva : adam : Bâbirum : ashiyavam : athiy : Bâbirum : yathâ : naiy : up</p> <p>92 âyam : Zâzâna : nâma : vardanam : anuv : Ufrâtuvâ : avadâ : hauv : Nadita</p> <p>93 baira : hya : Nabukudracara : agaubatâ : âish : hadâ : kârâ : patish : mâm : hamaranam :</p>	
---	--

94 cartanaiy : pasâva hainaranam akumâ : Auramazdâmai : upastâm : abara : vashnâ : Aurama	
95 zdâha : kâram : tyam : Naditabairahyâ : adam : ajanam : vasiy : aniya : âpiyâ : âhyatâ : â	
96 pidhim : parâbara : Anâmakahya : mâhyâ : II: raucibish : thakatâ : âha : avathâ : hamaranam akumâ	

DB

ستون دوم

نویسه لاتین متن پارسی باستان	برگردان به پارسی
1 : thâtiy : Dârayavaush : xshâyathiya : pasâva : Naditabaira : ha	(2.1-5.) 20. داریوش شاه گوید: آن گاه ندئیت ب ئیر با سوارانی اندک گریخت. او به بابل رفت. سپس من رہسپار بابل شدم. به خواست اهورامزدا هم بابل را گرفتم هم آن ندئیت ب ئیر را دستگیر کردم. سپس ندئیت ب ئیر را در بابل کشتم.
2 dâ : kamnaibish : asabâraibish : amutha : Bâbirum : ashiya	(2.5-8.) 21. داریوش شاه گوید: تا هنگامی که من در بابل بودم این کشورها به من نافرمان شدند: پارس، عیلام، ماد، آشور، مصر، پارت، مرو، تگوش، سکائیه.
3 va : pasâva : adam : Bâbirum : ashiyavam : vashnâ : Auramazdâha : utâ Bâ	(2.8-11.) 22. داریوش شاه گوید: مردی به نام مرتی ی نام پسر چین چی خری، در شهری کوگن کا نام در پارس می زیست، در عیلام برخاست. او به مردم چنین گفت: که من ایمنیش شاه عیلام هستم.
5 m : Naditabairam : adam : Bâbirauv : avâjanam : thâtiy : Dârayavaush : x	(2.11-3.) 23. داریوش شاه گوید: آن گاه من نزدیک عیلام بودم. پس آن عیلامیان از من ترسیدند آن مرتی ی را که سرکرده آنان بود گرفتند و او را کشتند.
7 miçiyâ : abava : Pârsa : Ūvja : Mâda : Athurâ : Mudrâya : Parthava : Margush : Tha	(2.13-7.) 24. داریوش شاه گوید: مردی مادی فرورتیش نام او در ماد برخاست چنین به مردم گفت که: من خش ثرئیت از تخمه هُوو خشنتر هستم. پس از آن سپاه ماد که در کاخ او [بود] نسبت به من نافرمان شد به سوی آن فرورتیش رفت. او در ماد شاه شد.
8 tagush : Saka : thâtiy : Dârayavaush : xshâyathiya : I martiya : Martiya : nâ	(2.18-29.) 25. داریوش شاه گوید: سپاه پارسی و مادی که تحت فرمان من بود آن کم بود. پس از آن من سپاه فرستادم. ویدرن نام پارسی بنده من او را سرکرده آنان کردم. چنان به آنها گفتم: فرا روید! آن سپاه مادی را که
9 ma : Cicixrâish : puça : Kuganakâ : nâma : vardanam : Pârsaiy : avadâ :	

adâraya :	خود را از آن من نمی خواند بزنید! پس از آن، آن ویدرن با سپاه روانه شد، چون به ماد رسید شهری ماروش نام در ماد آنجا با مادیها جنگ کرد. آنکه سرکرده مادیها بود او آن وقت آنجا نبود، اهورامزدا مرا یاری کرد به خواست اهورامزدا سپاه من آن سپاه نافرمان را بسیار بزد. از ماه انامک ۲۷ روز گذشته بود. آنگاه جنگ ایشان در گرفت پس از آن، آن سپاه من، سرزمینی کید نام در ماد آنجا برای من بماند تا من به ماد رسیدم.
10 hauv : udapatatâ : Ūvjaiy : kârahyâ : avathâ : athaha : adam : Imanish : amiy : Ū	(2.29-37.) 26. داریوش شاه گوید: دادرشی نام ارمنی بنده من، من او را فرستادم به ارمنستان. چنین به او گفتم: پیش رو [و] آن سپاه نافرمان را که خود را از آن من نمی خواند بزن. پس از آن دادرشی رهسپار شد. چون به ارمنستان رسید پس از آن نافرمانان گرد آمده به جنگ کردن علیه دادرشی فرا رسیدند. دهی زوزهی نام در ارمنستان آنجا جنگ کردند اهورامزدا مرا یاری کرد. به خواست اهورامزدا سپاه من آن سپاه نافرمان را بسیار بزد. از ماه ثورواهر ۸ روز گذشته بود چنین جنگ کرده شد.
11 vjaiy : xshâyathiya : thâtiy : Dârayavaush : xshâyathiya : adakaiy : adam : ashna	(2.37-42.) 27. داریوش شاه گوید: باز دومین بار نافرمانان گرد آمده به جنگ کردن علیه دادرشی فرا رسیدند. دژی تیگر نام در ارمنستان جنگ کردند. اهورامزدا مرا یاری کرد. به خواست اهورامزدا سپاه من آن سپاه نافرمان را بسیار بزد. از ماه ثورواهر ۱۸ روز گذشته بود آنگاه جنگ ایشان در گرفت.
12 iy : âham : abiy : Ūvjam : pasâva : hacâma : atarsa : Ūvjiyâ : avam : Marti	(2.42-9.) 28. داریوش شاه گوید: باز سومین بار نافرمانان گرد آمده به جنگ کردن علیه دادرشی فرا رسیدند. دژی اویم نام در ارمنستان آنجا جنگ کردند. اهورامزدا مرا یاری کرد. به خواست اهورامزدا سپاه من آن سپاه نافرمان را بسیار بزد. از ماه ثورواهر ۹ روز گذشته بود آنگاه جنگ ایشان در گرفت. پس از آن دادرشی به خاطر من در ارمنستان ماند تا من به ماد رسیدم.
13 yam : agarbâya : hyashâm : mathishta : âha : utâshim : avâjana : thâtiy : D	(2.49-57.) 29. داریوش شاه گوید: پس از آن وأمیس نام پارسی بنده من او را فرستادم ارمنستان و چنین به او گفتم: پیش رو [و] سپاه نافرمانان که خود را از آن من نمی خواند آن را بزن. پس از آن وأمیس رهسپار شد. چون به ارمنستان رسید پس از آن نافرمانان گرد آمده به جنگ کردن علیه وأمیس فرار رسیدند. سرزمینی ایزلا نام در آشور آنجا جنگ کردند. اهورامزدا مرا یاری کرد. به خواست اهورامزدا سپاه من آن سپاه نافرمان را بسیار بزد. از ماه انامک ۱۵ روز گذشته بود. آنگاه جنگ ایشان در گرفت.
14 ârayavaush : xshayathiya : I martiya : Fravartish : nâma : Mâda : hauv : udapatat	(2.57-63.) 30. داریوش شاه گوید: باز دومین بار نافرمانان گرد آمده به جنگ کردن علیه وأمیس فرا رسیدند. سرزمینی آتی یار نام در ارمنستان آنجا جنگ
15 â : Mâdaiy : kârahyâ : avathâ : athaha : adam : Xshathrita : amiy : Uvaxshtrah	
16 yâ : taumâyâ : pasâva : kâra : Mâda : hya : uithâpatiy : hauv : hacâma : hamiçiya : a	
17 bava : abiy : avam : Fravartim : ashiyava : hauv : xshâyathiya : abava : Mâdaiy :	
18 thâtiy : Dârayavaush : xshâyathiya : kâra : Pârsa : utâ : Mâda : hya : upâ : mâm : â	
19 ha : hauv : kamnam : âha : pasâva : adam : kâram : frâishayam : Vidarna : nâma : Pârsa : man	
20 â : badaka : avamshâm : mathishtam : akunavam : avathâshâm : athaham : paraitâ : avam : k	
21 âram : tyam : Mâdam : jatâ : hya : manâ : naiy : gaubataiy : pasâva : hauv : Vidarna : ha	
22 dâ : kârâ : ashiyava : yathâ : Mâdam :	

parârasa : Mârush : nâma : vardanam : Mâ	کردند. اهورامزدا مرا یاری کرد. به خواست اهورامزدا سپاه من آن سپاه نافرمان را بسیار بزد. نزدیک پایان ماه ثورَوَ اَهْرَ آنگاه جنگ ایشان در گرفت. پس از آن و آمیس برای من در ارمنستان بماند تا من به ماد رسیدم.
23 daiy : avadâ : hamaranam : akunaush : hadâ : Mâdaibish : hya : Mâdaishuva	(2.64-70.) 31. داریوش شاه گوید: پس از آن من از بابل بدر آمدم. رهسپار ماد شدم. چون به ماد رسیدم شهری کوندرو نام در ماد آنجا فرورتیش که خود را شاه در ماد می خواند با سپاهی به جنگ کردن علیه من آمد. پس از آن جنگ کردیم، اهورامزدا مرا یاری کرد به خواست اهورامزدا سپاه آن فرورتیش را بسیار زدم. از ماه آدوکن نیش ۲۵ روز گذشته بود که چنین جنگ کرده شد.
24 : mathishta : âha : hauv : adakaiy : naiy : avadâ : âha : Auramazdâmaiyy : u	(2.70-8.) 32. داریوش شاه گوید: پس از آن، آن فرورتیش با سواران کم گریخت. سرزمینی ری نام در ماد از آن سو روانه شد. پس از آن من سپاهی دنبال [او] فرستادم. فرورتیش گرفته شده و به سوی من آورده شد. من هم بینی هم دو گوش هم زبان [او] را بریدم. و یک چشم [او] را کندم. بسته بر دروازه من نگاهداشته شد. همه او را دیدند. پس از آن او را در همدان دار زدم و مردانی که یاران برجسته [او] بودند آنها را در همدان در درون دژ آویزان کردم.
25 pastâm : abara : vashnâ : Auramazdâha : kâra : hya : manâ : avam : kâram : t	(2.78-91.) 33. داریوش شاه گوید: مردی چی ثر تَخَم نام سگارتی او نسبت به من نافرمان شد. چنین به مردم گفت: من شاه در سگارتیه از تخمه هووخشتر هستم. پس از آن من سپاه پارسی و مادی را فرستادم. تَخَمَس پاد نام مادی بنده من او را سردار آنان کردم. چنین به ایشان گفتم: پیش روید سپاه نافرمان را که خود را از آن من نمی خواند آن را بزنید. پس از آن تَخَمَس پاد با سپاه رهسپار شد. با چی ثر تَخَم جنگ کرد. اهورامزدا مرا یاری کرد. به خواست اهورامزدا سپاه من آن سپاه نافرمان را بزد و چی ثر تَخَم را گرفت [و] به سوی من آورد. پس از آن من هم بینی و هم دو گوش [او] را بریدم و یک چشم [او] را کندم. بسته بر دروازه من نگاهداشته شد. همه مردم او را دیدند. پس از آن او را در اربل دار زدم.
26 yam : hamiçiyam : aja : vasiy : Anâmakahya : mâhyâ : XXVII : raucabish : thakat	(2.91-2.) 34. داریوش شاه گوید: این [است] آنچه به وسیله من در ماد کرده شد.
27 â : âha : avathâshâm : hamaranam : kartam : pasâva : hauv : kâra : hya : manâ : Kapada : nâm	(2.92-8.) 35. داریوش شاه گوید: پارت و ورکان نسبت به من نافرمان شدند. خودشان را از آن فرورتیش خواندند. ویشتاسپ پدر من او در پارت بود او را مردم رها کردند [و] نافرمان شدند. پس از آن ویشتاسپ با سپاهی که پیرو او بود رهسپار شد. شهری ویشپ از اتی نام در پارت آنجا با پارتیهها جنگ کرد. اهورامزدا مرا یاری کرد. به خواست اهورامزدا ویشتاسپ آن سپاه نافرمان را بسیار برد. از ماه وی یَخَن ۲۲ روز گذشته
28 â : dahyâush : Mâdaiy : avadâ : mâm : amânaiya : yâtâ : adam : arasam : Mâda	
29 m : thâtiy : Dârayavaush : xshâyathiya : Dâdarshish : nâma : Arminiya : man	
30 â : badaka : avam : adam : frâishayam : Arminam : avathâshaiy : athaham : paraidiy : kâ	
31 ra : hya : hamiçiva : manâ : naiy : gaubataiy : avam : jadiy : pasâva : Dâdarshi	
32 sh : ashiyava : yathâ : Arminam : parârasa : pasâva : hamiçiyâ : hagmati : parai	
33 tâ : patish : Dâdarshim : hamaranam : cartanaiy : Zûzahya : nâma : âvahanam : A	
34 rminiya : avadâ : hamaranam : akunava : Auramazdâmaiyy : upastâm : a	
35 bara : vashnâ : Auramazdâha : kâra :	

<p>hya : manâ : avam : kâram : tyam : hamiçiyam :</p> <p>36 aja : vasiy : Thûravâharahya : mâhyâ : VIII : raucabish : thakatâ : âha : avath</p> <p>37 âshâm : hamaranam : kartam : thâtiy : Dârayavaush : xshâyathiya : patiy : duv</p> <p>38 itîyam : hamiçiyâ : hagmatâ : paraitâ : patish : Dâdarshim : hamaranam : carta</p> <p>39 naiy : Tigra : nâmâ : didâ : Arminiyaiy : avadâ : hamaranam : akunava : A</p> <p>40 uramazdâmaiyy : upastâm : abara : vashnâ : Auramazdâha : kâra : hya : manâ : a</p> <p>41 vam : kâram : tyam : hamiçiyam : aja : vasiy : Thûravâharahya : mâhyâ : XVIII</p> <p>42 : raucabish : thakatâ : âha : avathâshâm : hamaranam : kartam : thâtiy : Dâraya</p> <p>43 vaush : xshâyathiya : patiy : çitîyam : hamiçiyâ : hagmatâ : paraitâ : pat</p> <p>44 ish : Dâdarshim : hamaranam : cartanaiy : Uyamâ : nâmâ : didâ : Arminiyaiy : a</p> <p>45 vadâ : hamaranam : akunava : Auramazdâmaiyy : upastâm : abara : vashnâ : Aurama</p> <p>46 zdâha : kâra : hya : manâ : avam : kâram : tyam : hamiçiyam : aja : vasiy : Thâigarca</p> <p>47 ish : mâhyâ : IX : raucabish : thakatâ : âha : avathâshâm : hamaranam : kartam : pasâva</p>	<p>بود. آنگاه جنگ ایشان در گرفت.</p>
---	--------------------------------------

48 : Dâdarshish : citâ : mâm : amânaya :
Arminiyaiy : yâtâ : adam : arasam : Mâ

49 dam : thâtiy : Dârayavaush :
xshâyathiya : pasâva : Vaumisa : nâma :
Pârsa : manâ : ba

50 daka : avam : adam : frâishayam :
Arminam : avathâshaiy : athaham :
paraidiy : kâra :

51 hya : hamiçiyâ : manâ : naiy :
gaubataiy : avam : jadiy : pasâva :
Vaumisa : a

52 shiyava : yathâ : Arminam :
parârasa : pasâva : hamiçiyâ : hagmatâ :
paraitâ : pa

53 tish : Vaumisam hamaranam :
cartanaiy : Izalâ : nâmâ : dahyâush :
Athurây

54 â : avadâ : hamaranam : akunava :
Auramazdâmai : upastâm abara :
vashnâ : Au

55 ramazdâha : kâra : hya : manâ :
avam : kâram : tyam : hamiçiyam : aja :
vasiy :

56 Anâmakahya : mâhyâ : XV :
raucabish : thakatâ : âha : avathâshâm :
hamaranam :

57 kartam : thâtiy : Dârayavaush :
xshâyathiya : patiy : duvitîyam : ham

58 içiyâ : hagmatâ : paraitâ : patish :
Vaumisam : hamaranam : cartanaiy : Au

59 tiyâra : nâmâ : dahyâush :
Arminiyaiy : avadâ : hamaranam :
akunava :

60 Auramazdâmai : upastâm : abara :
vashnâ : Auramazdâha : kâra : hya : ma

61 nâ : avam : kâram : tyam :
hamiçiyam : aja : vasiy :

Thûravâharahya : mâh	
62 yâ : jiyamnam : patiy : avathâshâm : hamaranam : kartam : pasâva : Vaumisa	
63 : citâ : mâm : amânaya : Arminiyâiy : yâtâ : adam : arasam : Mâdam	
64 : thâtiy : Dârayavaush : xshâyathiya : pasâva : adam : nijâyam : hacâ :	
65 Bâbiraush : ashiyavam : Mâdam : yathâ : Mâdam : parârasam : Kudurush : nâma :	
66 vardanam : Mâdaiy : avadâ : hauv : Fravartish : hya : Mâdaiy : xshâyathiya : a	
67 gaubatâ : âish : hadâ : kêrâ : patish : mâm : hamaranam : cartanaiy : pasâva hamarana	
68 m : akumâ : Auramazdâmai : upastâm : abara : vashnâ : Auramazdâha : kêram	
69 : tyam : Fravartaish : adam : ajanam : vasiy : Adukanaishahya : mâhyâ : XXV : ra	
70 ucabish : thakatâ : âha : avathâ : hamaranam : akumâ : thâtiy : Dârayavaush : x	
71 shâyathiya : pasâva : hauv : Fravartish : hadâ : kamnaibish : asabâraibish : amutha : Ra	
72 gâ : nâmâ : dahyâush : Mâdaiy : avaparâ : ashiyava : pasâva : adam : kêram : f	
73 râishayam : nipadiy : Fravartish : âgarbîta : anayatâ : abiy : mâm : ada	
74 mshaiy : utâ : nâham : utâ : gaushâ : utâ : hazânam : frâjanam : utâsha	
75 iy : I casham : avajam :	

duvarayâmayi : basta : adâriya :
haruvashim : k

76 âra : avaina : pasâvashim :
Hagmatânaiy : uzmayâpatiy : akunavam

77 : utâ : martiyâ : tyaisaiy : fratamâ :
anushiyâ : âhatâ : avaiy : Ha

78 gmatânaiy : atar : didâm : frâhjam :
thâtiy : Dârayavaush : xsh

79 âyathiya : I martiya : Ciçataxma :
nâma : Asagartiya : hauvmai :
hamiçiya :

80 abava : kêrahyâ : avathâ : athaha :
adam : xshâyathiya : amiy : Asagarta

81 iy : Uvaxshtrahyâ : taumâyâ :
pasâva : adam : kêram : Pârsam : ut

82 â : Mâdam : frâishayam :
Taxmaspâda : nâma : Mâda : manâ :
badaka : avam

83 shâm : mathishtam : akunavam :
avathâshâm : athaham : paraitâ : k

84 âram : hamiçiyam : hya : manâ :
naiy : gaubâtaiy : avam : jatâ : pas

85 âva : Taxmaspâda : hadâ : kêrâ :
ashiyava : hamaranam : akunaush : had

86 â : Ciçataxmâ : Auramazdâmai :
upastâm : abara : vashnâ : Auramaz

87 dâha : kêra : hya : manâ : avam :
kêram : tyam : hamiçiyam : aja : utâ : C

88 içataxmam : agarbâya : anaya : abiy :
mâm pasâvashaiy : adam : utâ : n

89 âham : utâ : gaushâ : frâjanam :
utâshaiy : I casham : avajam : duvarayâ

90 maiy : basta : adâriya : haruvashim :
kêra : avaina : pasâvashim Arbairâyâ :

91 uzmayâpatiy : akunavam : thatiy : Dârayavaush : xshâyathiya : ima : tya : ma	
92 nâ : kartam : Mâdaiy : thâtiy : Dârayavaush : xshâyathiya : Parthava : utâ : Var	
93 kâna : hamiçiyâ : abava : hacâma : Fravartaish : agaubatâ : Vishtâspa : manâ : pitâ : ha	
94 uv : Parthavaïy : âha : avam : kâra : avaharda : hamiçiya : abava : pasâva : Vishtâspa :	
95 ashiyava : hadâ : kârâ : hyashaiy : anushiya : âha : Vishpauzâtish : nâma : varda	
96 nam : Parthavaïy : avadâ : hamaranam : akunaush : hadâ : Parthavaibish : Auramazdâmai	
97 : upastâm : abara : vashnâ : Auramazdâha : Vishtâspa : avam : kâram : tyam : hamiçiya	
98 m : aja : vasiy : Viyaxnahya : mâhyâ : XXII : raucabish : thakatâ : âha : avathâshâm : hamaranam : kartam	

DB

ستون سوم

نویسه لاتین متن پارسی باستان	برگردان به پارسی
1 : thâtiy : Dârayavaush : xshâyathiya : pasâva : adam : kâra	(3.1-9). 36 داریوش شاه گوید: پس از آن من سپاه پارسی را از ری نزد ویشتاسپ فرستادم چون آن سپاه نزد ویشتاسپ رسید پس از آن ویشتاسپ آن سپاه را گرفت [و] رهسپار شد. شهری پتی گربنا نام در پارت آنجا با نافرمانان جنگ کرد. اهورامزدا مرا یاری کرد. به خواست اهورامزدا ویشتاسپ آن سپاه نافرمان را بسیار بزد. از ماه گرم پد یک روز گذشته بود آنگاه
2 m : Pârsam : frâishayam : abiy : Vishtâspam : hacâ : Ragâ	
3 yâ : yathâ : hauv : kâra : parârasa : abiy :	

Vishtâspam	جنگ ایشان در گرفت.
4 : pasâva : Vishtâspa : âyasatâ : avam : kâram : ashiyava : Patigraba	(3.9-10.) 37. داریوش شاه گوید: پس از آن کشور از آن من شد. این [است] آنچه به وسیله من در پارت کرده شد.
5 nâ : nâma : vardanam : Parthavaiy : avadâ : hamaranam : akunaush : hadâ :	(3.10-9.) 38. داریوش شاه گوید: کشوری مرو نام به من نافرمان شد. مردی فراد نام مروزی او را سردار کردند. پس از آن من دادرشی نام پارسی بنده من شهریان در باختر نزد او فرستادم. چنین به او گفتم: پیش رو آن سپاهی را که خود را از آن من نمی خواند بزن. پس از آن دادرشی با سپاه رهسپار شد. با مروزیها جنگ کرد. اهورامزدا مرا یاری کرد. به خواست اهورامزدا سپاه من آن سپاه نافرمان را بسیار بزد. از ماه اثری یادی ی ۲۳ روز گذشته بود. آنگاه جنگ ایشان در گرفت.
6 hamiçiyaibish : Auramazdâmai : upastâm : abara : vashnâ : Auramaz	(3.19-21.) 39. داریوش شاه گوید: پس از آن کشور از آن من شد. این [است] آنچه به وسیله من در باختر کرده شد.
7 dâha : Vishtâspa : avam : kâram : tyam : hamiçiyam : aja : vasiy : Ga	(3.21-8.) 40. داریوش شاه گوید: مردی وه یزدات نام شهری تاروا نام [در] سرزمینی ی اوتی یا نام در پارس آنجا ساکن بود. او برای بار دوم در پارس برخاست. چنین به مردم گفت: من بردی ی پسر کورش هستم. پس از آن سپاه پارسی در کاخ [که] پیش از این از پدایا آمده بود آن نسبت به من نافرمان شد. به سوی آن وه یزدات رفت. او در پارس شاه شد.
8 rmapadahya : mâhya : I : rauca : thakatam : âha : avathâshâm : hamaranam : ka	(3.28-40.) 41. داریوش شاه گوید: پس از آن من سپاه پارسی و مادی را که تحت فرمان من بودند فرستادم. آرت وردی ی نام پارسی بنده من او را سردار آنان کردم. سپاه دیگر پارسی از عقب من رهسپار ماد شد. پس از آن آرت وردی ی با سپاه رهسپار پارس شد. چون به پارس رسید شهری رخا نام در پارس در آنجا آن وه یزدات که خود را بردی ی می خواند با سپاه به جنگ کردن علیه آرت وردی ی آمد. پس از آن جنگ کردند. اهورامزدا مرا یاری کرد. به خواست اهورامزدا سپاه من آن سپاه وه یزدات را بسیار بزد. از ماه ثور و آهر ۱۲ روز گذشته بود آنگاه جنگ ایشان در گرفت.
9 rtam : thâtiy : Dârayavaush : xshâyathiya : pasâva : dahyâush : ma	(3.40-9.) 42. داریوش شاه گوید: پس از آن، آن وه یزدات با سواران کم گریخت. رهسپار پ نیشی ی اوودا شد. از آنجا سپاهی به دست آورد. از آن پس به جنگ کردن علیه آرت وردی ی آمد. کوهی پرگ نام در آنجا جنگ کردند. اهورامزدا مرا یاری کرد. به خواست اهورامزدا سپاه من آن سپاه وه یزدات را بسیار بزد. از ماه گرم پد ۵ روز گذشته بود. آنگاه جنگ ایشان در گرفت. و آن وه یزدات را گرفتند و مردانی که
10 nâ : abava : ima : tya : manâ : kartam : Parthavaiy : thâtiy : Dârayavau	
11 sh : xshâyathiya : Margush : nâmâ : dahyâush : hauvmai : hamiçiyâ : abava	
12 : I martiya : Frâda : nâma : Mârgava : avam : mathishtam : akunavatâ : pasâ	
13 va : adam : frâishayam : Dâdarshish : nâma : Pârsa : manâ : badaka : Bâxtriy	
14 â : xshaçapâvâ : abiy : avam : avathâshaiy : athaham : paraidiy : ava	
15 m : kâram : jadiy : hya : manâ : naiy : gaubataiy : pasâva : Dâdarshish : hadâ : k	
16 ârâ : ashiyava : hamaranam : akunaush : hadâ : Mârgavaibish : Auramazd	
17 âmai : upastâm : abara : vashnâ : Auramazdâha : kâra : hya : manâ : avam : kâram	
18 : tyam : hamiçiyam : aja : vasiy : Âçiyâdiyahya : mâhyâ : XXIII : raucabi	

19 sh : thakatâ : âha : avathâshâm : hamaranam : kartam : thâtiy : Dârayavau	نزدیکترین پیروان او بودند گرفتند.
20 sh : xshâyathiya : pasâva : dahyâush : manâ : abava : ima : tya : ma	(3.49-52.) 43. داریوش شاه گوید: پس از آن، آن وه یزادات را و مردانی که پیروان نزدیک او بودند [در] شهری اووانیچ ی نام در پارس در آنجا آنها را دار زدم.
21 nâ : kartam : Bâxtriyâ : thâtiy : Dârayavaush : xshâya	(3.52-3.) 44. داریوش شاه گوید: این [است] آنچه به وسیله من در پارس کرده شد.
22 thiya : I martiya : Vahyazdâta : nâma : Târavâ : nâma : vardanam	(3.54-64.) 45. داریوش شاه گوید: آن وه یزادات که خود را بردی ی می خواند، او سپاه به رُخج فرستاده بود. بر علیه ویوان نام پارسی بنده من شهربان رُخج و مردی را سردار آنها کرده بود. و چنین به ایشان گفت: پیش روید ویوان را و آن سپاهی را که خود را از آن داریوش شاه می خواند بزنید. پس از آن، آن سپاهی که وه یزادات فرستاده بود به جنگ کردن علیه ویوان رهسپار شد. دژی کاپیش کانی نام در آنجا جنگ کردند. اهورامزدا مرا یاری کرد. به خواست اهورامزدا سپاه من آن سپاه نافرمان را بسیار بزد. از ماه آنامک ۱۳ روز گذشته بود. آنگاه جنگ ایشان درگرفت.
23 : Yautiyâ : nâmâ : dahyâush : Pârsaiy : avadâ : adâraya : ha	(3.64-9.) 46. داریوش شاه گوید: باز از آن پس نافرمانان گرد آمده به جنگ کردن علیه ویوان فرا رسیدند. سرزمینی گدوتو نام در آنجا جنگ کردند. اهورامزدا مرا یاری کرد. به خواست اهورامزدا سپاه من آن سپاه نافرمان را بسیار بزد. از ماه وییخن ۷ روز گذشته بود. آنگاه جنگ ایشان در گرفت.
24 uv : duivitîyam : udapatatâ : Pârsaiy : kârahyâ : avathâ	(3.69-75.) 47. داریوش شاه گوید: پس از آن، آن مردی که سردار آن سپاه بود که وه یزادات علیه ویوان فرستاده بود با سواران کم گریخت. به راه افتاد. دژی ارشادا نام در رُخج از کنار آن برفت. پس از آن ویوان با سپاهی دنبال آنها رهسپار شد. در آنجا او و مردانی که نزدیکترین پیروانش بودند گرفت [و] کشت.
25 : athaha : adam : Bardiya : amiy : hya : Kûraush : puça : pasâva	(3.75-6.) 48. داریوش شاه گوید: پس از آن کشور از آن من شد. این [است] آنچه در رُخج به وسیله من کرده شد.
26 : kâra : Pârsa : hya : Vithâpatiy : hacâ : Yadâyâ : frataram : ha	(3.76-83.) 49. داریوش شاه گوید: چون در پارس و ماد بودم باز دومین بار بابلیان نسبت به من نافرمان شدند. مردی آرخ نام ارمنی پسر هلدیت او در بابل برخاست. سرزمینی دبال نام در آنجا به مردم دروغ گفت [که] من نبوگدرچر پسر نبون نیت هستم. پس از آن بابلیان نسبت به من نافرمان شدند. به سوی آن آرخ رفتند. او بابل را گرفت. او در بابل شاه شد.
27 uv : hacâma : hamiçiya : abava : abiy : avam : Vahyazdâta	
28 m : ashiyava : hauv : xshâyathiya : abava : Pârsaiy : thâ	
29 tiy : Dârayavaush : xshâyathiya : pasâva : adam : kâram : Pârsa	
30 m : utâ : Mâdam : frâishayam : hya : upâ : mâm : âha : Artavard	
31 iya : nâma Pârsa : manâ : badaka : avamshâm : mathishtam : aku	
32 navam : hya : aniya : kâra : Pârsa : pasâ : manâ : ashiyava : Mâ	
33 dam : pasâva : Artavardiya : hadâ : kârâ : ashiyava : Pârsam	
34 : yathâ : Pârsam : parârasa : Raxâ : nâma : vardanam : Pârsaiy : a	
35 vadâ : hauv : Vahyazdâta : hya :	

Bardiya : agaubatâ : âish :	(92-383). 50 داریوش شاه گوید: پس از آن من سپاهی به بابل فرستادم ویدقَرنا نام پارسی بنده من او را سردار آنان کردم. چنین به آنها گفتم: پیش روید آن سپاه بابلی را که خود را از آن من نمی خواند بزنید. پس از آن ویدقَرنا با سپاهی رهسپار بابل شد.
36 hadâ : kêrâ : patish : Artavardiyam : hamaranam : cartanaiy : pas	اهورامزدا مرا یاری کرد. به خواست اهورامزدا ویدقَرنا بابلیان را بزد و اسیر آورد. از ماه وِرگَزَن ۲۲ روز گذشته بود. آنگاه آن آرَخ را که به دروغ خود را نَبوگدرَجَر می خواند و مردانی که نزدیکترین پیروان او بودند گرفت. فرمان دادم آن آرَخ و مردانی که نزدیکترین یاران او بودند در بابل به دار آویخته شدند.
37 âva : hamaranam : akunava : Auramazdâmai : upastâm : abara : va	
38 shnâ : Auramazdâha : kêra : hya : manâ : avam : kêram : tyam : Vahya	
39 zdâtahya : aja : vasiy : Thûravâharahya : mâhyâ : XII : raucabish : thaka	
40 tâ : âha : avathâshâm : hamaranam : kartam : thâtiy : Dârayavaush : xsâyathi	
41 ya : pasâva : hauv : Vahyazdâta : hadâ : kamnaibish : asabâraibish : a	
42 mutha : ashiyava : Paishiyâuvâdâm : hacâ : avadasha : kêram : âyasa	
43 tâ : hyâparam : âish : patish : Artavardiyam : hamaranam : cartana	
44 iy : Parga : nâma : kaufa : avadâ : hamaranam : akunava : Auramazdâma	
45 iy : upastâm : abara : vashnâ : Auramazdâha : kêra : hya : manâ : ava	
46 m : kêram : tyam : Vahyazdâtahya : aja : vasiy : Garmapadahya : mâh	
47 yâ : V : raucabish : thakatâ : âha : avathâshâm : hamaranam : kartam : utâ : ava	
48 m Vahyazdâtam : agarbâya : utâ : martiyâ : tyaisaiy : fratam	
49 â : anushiyâ : âhata : agarbâya : thâtiy : Dârayavaush : xsh	
50 âyathiya : pasâva : adam : avarn : Vahyazdâtam : utâ : martiyâ :	
51 tyaisaiy : fratamâ : anushiyâ : âhata :	

Uvâdaicaya : nâma : var

52 danam : Pârsaiy : avadashish :
uzmayâpatiy : akunavam : thâ

53 tiy : Dârayavaush : xshâyathiya : ima :
tya : manâ : kartam : Pârsaiy

54 thâtiy : Dârayavaush : xshâyathiya :
hauv : Vahyazdâta : hya : Bardiya

55 : agaubatâ : hauv : kâram : frâishaya :
Harauvatim : Vivâna :

56 nâma : Pârsa : manâ : badaka :
Harauvatiyâ : xshaçapâvâ : abiy : ava

57 m : utâshâm : I martiyarn :
mathishtam : akunaush avathâshâm : a

58 thaha : paraitâ : Vivânam : jatâ : utâ :
avam : kâram : hya : Dâraya

59 vahaush : xshâyathiyahyâ : gaubataiy :
pasâva : hauv : kâra : ashiya

60 va : tyam : Vahyazdâta : frâishaya :
abiy : Vivânam : hamaranam : cartanaiy :
K

61 âpishakânish : nâmâ : didâ : avadâ :
hamaranarn : akunava : Auramazdâmai

62 y : upastâm : abara : vashnâ :
Auramazdâha : kâra : hya : manâ : avam :
kâram : tya

63 m : hamiçiyam : aja : vasiy :
Anâmakahya : mâhyâ : XIII : raucabish :
thakatâ : âha : a

64 vathâshâm : hamaranam : kartam :
thâtiy : Dârayavaush : xshâyathiya : patiy :
h

65 yâparam : hamiçiyâ : hagmatâ :
paraitâ : patish : Vivânam : hamaranam :
cartana

66 iy : Gadutava : nâmâ : dahyâush :

avadâ : hamaranam : akunava :
 Auramazdâma

 67 iy : upastâm : abara : vashnâ :
 Auramazdâha : kêra : hya : manâ : avam :
 kêram : t

 68 yam : hamiçiyam : aja : vasiy :
 Viyaxnahya : mâhyâ : VII : raucabish :
 thakatâ :

 69 âha : avathâshâm : hamaranam :
 kartam : thâtiy : Dârayavaush :
 xshâyathiya :

 70 pasâva : hauv : martiya : hya : avahyâ :
 kêrahyâ : mathishta : âha : tyam : Va

 71 hyazdâta : frâishaya : abiy Vivânâ :
 hauv : amutha : hadâ : kamnaib

 72 ish : asabâraibish : ashiyava : Arshâdâ :
 nâmâ : didâ : Harauvatiyâ : a

 73 vaparâ : atiyâish : pasâva : Vivâna :
 hadâ : kêrâ : nipadiy : tyaiy : ashiya

 74 va : avadâshim : agarbâya : utâ :
 martiyâ : tyaisaiy : fratamâ : anushiyâ :

 75 âhatâ : avâja : thâtiy : Dârayavaush :
 xshâyathiya : pasâva : dahyâush : ma

 76 nâ : abava : ima : tya : manâ : kartam :
 Harauvatiyâ : thâtiy : Dârayavaush : xshâ

 77 yathiya : yâtâ : adam : Pârsaiy : u(t)â :
 Mâdaiy : âham : patiy : duvitîyam :

 78 Bâbiruviyâ : hamiçiyâ : abava :
 hacâma : I martiya : Arxa : nâma : Armini

 79 ya : Halditahya : puça : hauv :
 udapatatâ : Bâbirauv : Dubâla : nâmâ :
 dahyâ

 80 ush : hacâ : avadasha : hauv : kêrahyâ :
 avathâ : adurujîya : adam : Nabukud

 81 racara : amiy : hya : Nabunaitahya :

puça : pasâva : kêra : Bâbiruviya :
hacâma : ha

82 miçiya : abava : abiy : avam : Arxam :
ashiyava : Bâbirum : hauv : agarbâyat

83 â : hauv : xshâyathiya : abava :
Bâbirauv : thâtiy : Dârayavaush :
xshâyathi

84 ya : pasâva : adam : kêram :
frâishayam : Bâbirum : Vidafarnâ : nâma :
Pârsa : manâ

85 : badaka : avamshâm : mathishtam :
akunavam : avathâshâm : athaham :
paraitâ : avam : kêram

86 : Bâbiruviyam : jatâ : hya : manâ :
naiy : gaubâtaiy : pasâva : Vidafarnâ :
hadâ : kêr

87 â : ashiyava : Bâbirum :
Auramazdâmai : upastâm : abara :
vashnâ : Auramaz

88 dâha : Vidafarnâ : Bâbiruviyâ : aja :
utâ : bastâ : anaya : Varkazanahya :
mâhyâ : XXII : ra

89 ucabish : thakatâ : âha : avathâ : avam :
Arxam : hya : Nabukudracara : duruxtam :
a

90 gaubatâ : utâ : martiyâ : tyaisaiy :
fratamâ : anushiyâ : âhatâ : agarb

91 âya : niyashtâyam : hauv : Arxa : utâ :
martiyâ : tyaisaiy : fratamâ : an

92 ushiyâ : âhatâ : Bâbirauv :
uz(ma)yâpatiy : akariyatâ

DB

ستون چهارم

نویسه لاتین متن پارسی باستان	برگردان به پارسی
1 : thâtiy : Dârayavaush : xshâyathiya : ima : t	(2-4.1). 51. داریوش شاه گوید: این [است] آنچه به وسیله من در بابل کرده شد.
2 ya : manâ : kartam : Bâbirauv : thatiy : D	(31-4.2). 52. داریوش شاه گوید: این [است] آنچه من به خواست اهورامزدا در همان یک سال پس از آنکه شاه شدم کردم. ۱۹ جنگ کردم. به خواست اهورامزدا من آنها را زدم و ۹ شاه گرفتم. یکی گنومات مَغ بود. او دروغ گفت. چنین گفت: من بردی یِ پسر کورش هستم. او پارس را نافرمان کرد یکی آثرین نام عیلامی. او دروغ گفت. چنین گفت: من در عیلام شاه هستم. او عیلام را نسبت به من نافرمان کرد. یکی ندئیت بَ ئیر نام بابلی. او دروغ گفت: چنین گفت: من نبوگدرچَر پسر نبون نیت هستم. او بابل را نافرمان کرد. یکی مَرْتی یِ نام پارسی. او دروغ گفت. چنین گفت: من ایمنیش در عیلام شاه هستم. او عیلام را نافرمان کرد. یکی فِرور تیش نام مادی او دروغ گفت. چنین گفت: من خش ثرنیت از دودمان هُوخشنَر هستم. او ماد را نافرمان کرد. یکی چیئر تَخَم نام سگارتیه او دروغ گفت و چنین گفت: من در سگارتیه شاه هستم از دودمان هُوخشنَر او سگارتیه را نافرمان کرد. یکی فراد نام از مرو او دروغ گفت. چنین گفت: من در مرو شاه هستم. او مرو را نافرمان کرد. یکی وهیز دات نام پارسی. او دروغ گفت. چنین گفت: من بردی یِ پسر کورش هستم. او پارس را نافرمان کرد. یکی آر خ نام ارمنی. او دروغ گفت. چنین گفت: من نبوگدرچَر پسر نبون نیت هستم. او بابل را نافرمان کرد.
3 ârayavaush : xshâyathiya : ima : tya : adam : akuna	
4 vam : vashna : Auramazdâha : hamahyâyâ : thar	
5 da : pasâva : yathâ : xshâyathiya : abavam : XIX : hamaran	
6 â : akunavam : vashnâ : Auramazdâha : adamshish : a	
7 janam : utâ : IX : xshâyathiyâ : agarbâyam : I Gaumâta :	
8 nâma : magush : âha : hauv : adurujiya : avathâ : athaha : adam :	
9 Bardiya : amiy : hya : Kûraush : puça : hauv : Pârsam : ha	
10 miçiyam : akunaush : I Âçina : nâma : Ûvjia : hauv : adu	(2-4.31). 53. داریوش شاه گوید: این ۹ شاه را من در این جنگها گرفتم.
11 rujiya : avathâ : athaha : adam : xshâyathiya : amiy : Ûvjaiy	(6-4.33). 54. داریوش شاه گوید: این [است] کشورهایی که نافرمان شدند. دروغ آنها را نافرمان کرد که اینها به مردم دروغ گفتند پس اهورامزدا آنها را به دست من داد. هر طور میل من [بود] همانطور با آنها کردم.
12 : hauv : Ûvjam : hamiçiyam : akunaush : manâ : I Naditabaira : n	
13 âma : Bâbiruviya : hauv : adurujiya : avathâ : athaha :	(40-4.36). 55. داریوش شاه گوید: تو که از این پس شاه خواهی بود. خود را قویا از دروغ بپای. اگر چنان فکر کنی [که] کشور من در امان باشد مردی که

14 adam : Nabukudracara : amiy : hya : Nabunaitahya : puça :	دروغن باشد او را سخت کیفر بده.
15 hauv : Bâbirum : hamiçiyam : akunaush : I Martiya : nâ	(3-4.40). 56. داریوش شاه گوید: این [است] آنچه من کردم. به خواست اهورامزدا در همان یک سال کردم. تو که از این پس این نبشته را خواهی خواند. آنچه به وسیله من کرده شده تو را باور شود. مبدا آن را دروغ بینداری.
16 ma : Pârsa : hauv : adurujiya : avathâ : athaha : adam : Imani	(5-4.13). 57. داریوش شاه گوید: اهورامزدا را گواه می گیرم که آنچه من در همان یک سال کردم این راست [است] نه دروغ.
17 sh : amiy : Ûvjaiy : xshâyathiya : hauv : Ûvjam : hamiçiya	(50-4.45). 58. داریوش شاه گوید: به خواست اهورامزدا و خودم بسیار [کارهای] دیگر کرده شد [که] آن در این نبشته نوشته نشده است به آن جهت نوشته نشد مبدا آن که از این پس این نبشته را بخواند آنچه به وسیله من کرده شد در دیده او بسیار آید [و] این او را باور نیاید، دروغ بیندارد.
18 m : akunaush : I Fravartish : nâma : Mâda : hauv : adurujiya	(2-4.50). 59. داریوش شاه گوید: شاهان پیشین را مادامی که بودند چنان کرده هایی نیست که به وسیله من به خواست اهورامزدا در همان یک سال کرده شد.
19 : avathâ : athaha : adam : Xshathrita : amiy : Uvaxshtrahya : taumây	(6-4.52). 60. داریوش شاه گوید: اکنون آنچه به وسیله من کرده شد ترا باور آید. همچنین به مردم بگو. پنهان مدار. اگر این گفته را پنهان نداری، به مردم بگویی اهورامزدا دوست تو باد و دودمان تو بسیار و زندگیت دراز باد.
20 â : hauv : Mâdam : hamiçiyam : akunaush : I Ciçataxma : nâma : Asa	(9-4.57). 61. داریوش شاه گوید: اگر این گفته را پنهان بداری، به مردم نگویی اهورامزدا دشمن تو باشد و ترا دودمان مباد.
21 gartiya : hauv : adurujiya : avathâ : athaha : adam : xshâyath	(61-4.59). 62. داریوش شاه گوید: این [است] آنچه من کردم. در همان یک سال به خواست اهورامزدا کردم. اهورامزدا یاری کرد و خدایان دیگری که هستند.
22 iya : amiy : Asagartaiy : Uvaxshtrahya : taumâyâ : hauv	(7-4.61). 63. داریوش شاه گوید: از آن جهت اهورامزدا مرا یاری کرد و خدایان دیگری که هستند که پلید نبودم. دروغگو نبودم. تبهکار نبودم. نه من نه دودمانم. به راستی رفتار کردم. نه به ضعیف نه به توانا زور نوردیدم. مردی که با دودمان من همراهی کرد او را نیک نواختم. آنکه زیان رسانید او را سخت کیفر دادم.
23 : Asagartam : hamiçiyam : akunaush : I Frâda : nâma :	(9-4.67). 64. داریوش شاه گوید: تو که از این پس شاه خواهی بود. مردی که دروغگو باشد یا آنکه تبهکار باشد دوست آنها مباش. به سختی آنها را کیفر
24 Mârgava : hauv : adurujiya : avathâ : athaha : adam :	
25 xshâyathiya : amiy : Margauv : hauv : Margum : hamic	
26 yam : akunaush : I Vahyazdâta : nâma : Pârsa : hauv : a	
27 durujiya : avathâ : athaha : adam : Bardiya : amiy : hya : Kû	
28 roush : puça : hauv : Pârsam : hamiçiyam : akunaush : I Ar	
29 xa : nâma : Arminiya : hauv : adurujiya : avathâ : athaha : adam : Nab	
30 ukudracara : amiy : hya : Nabunaitahya : puça : hauv : Bâbirum :	

ham	ده.
31 içiyam : akunaush : thâtiy : Dârayavaush : xshâyathiya : imaiy :	(4.69-72.) 65. داریوش شاه گوید: تو که از پس این نیشته را که من نوشتم یا این پیکرها را ببینی مبادا[آنها را] تباه سازی. تا هنگامی که توانا هستی آنها را نگاه دار.
32 IX : xshâyathiyâ : adam : agarbâyam : atar : imâ : hamaranâ	(4.72-6.) 66. داریوش شاه گوید: اگر این نیشته یا این پیکرها را ببینی[و] تباهاشان نسازی و تا هنگامی که ترا توانایی است نگاهشان داری. اهورامزدا ترا دوست باد و دودمان تو بسیار و زندگیت دراز باد و آنچه کنی آن را به تو اهورامزدا خوب کند.
33 : thâtiy : Dârayavaush : xshâyathiya : dahyâva : imâ : tyâ : hamiçiy	(4.76-80.) 67. داریوش شاه گوید: اگر این نیشته یا این پیکرها را ببینی[و] تباهاشان نسازی و تا هنگامی که ترا توانایی است نگاهشان نداری اهورامزدا ترا زنده باد و ترا دودمان مباد و آنچه کنی اهورمزدا آن را براندازد.
34 â : abava : drauga : dish : hamiçiyâ : akunaush : tya : imaiy : kâram : adur	(4.80-6.) 68. داریوش شاه گوید: اینها[هستند] مردانی که وقتی من گنومات مغ را که خود را بردی ی می خواند گشتم در آنجا بودند. در آن موقع این مردان همکاری کردند، پیروان من[بودند] ویدفرا نام پسر و ایسپار پارسی. اوتان نام پسر ثوخر پارسی. گنوبرو نام پسر مردونی ی پارسی. ویدرن نام پسر بگایبگ ن پارسی بگ بوخش نام پسر داشو و هی پارسی. آردمنیش نام پسر وه اک پارسی.
35 ujiyasha : pasâva : dish : Auramazdâ : manâ : dastayâ : akunaush : yathâ : mâm : k	(4.86-8.) 69. داریوش شاه گوید: تو که از این پس شاه خواهی بود. دودمان این مردان را نیک نگاهداری کن.
36 âma : avatha : dish : akunavam : thâtiy : Dârayavaush : xshâyathi	(4.88-92.) 70. داریوش شاه گوید: به خواست اهورمزدا این نیشته را من[به طریق] دیگر [نیز] کردم. بعلاوه به [زبان] آریایی بود هم روی لوح هم روی چرم تصنیف شد. این نیشته به مهر من تایید شد. پیش من هم نوشته خوانده شد. پس از آن من این نیشته را همه جا در میان کشورها فرستادم. مردم پذیرا شدند.
37 ya : tuvam : kâ : xshâyathiya : hya : aparam âhy : hacâ : draugâ : darsham :	
38 patipayauvâ : martiya : hya : draujana : ahatiy : avam : ufrashtam : parsâ : ya	
39 diy : avathâ : maniyâhaiy : dahyâushmai : duruvâ : ahati	
40 y : thâtiy : Dârayavaush : xsâyathiya : ima : tya : adam : akunavam :	
41 vashnâ : Auramazdâha : hamahyâyâ : tharda : akunavam : tuvam : kâ : hya	
42 : aparam : imâm : dipim : patiparsâhy : tya : manâ : kartam : varnavatâm	
43 : thuvâm : mâtya : draugam : maniyâhay : thâtiy : Dârayavaush : xshâ	
44 yathiya : Auramazdâha : ragam : vartaiyaiy : yathâ : ima : hashiyam : naiy : duru	
45 xtam : adam : akunavam : hamahyâyâ : tharda : thâtiy : Dârayavaush : xshâya	
46 thiya : vashnâ : Auramazdâha :	

utâmayi : aniyashciy : vasiy : astiy : karta

47 m : ava : ahyâyâ : dipiyâ : naiy :
nipishtam : avahyarâdiy : naiy : n

48 ipishtam : mâtya : hya : aparam :
imâm : dipim : patiparsâtiy : avah

49 yâ : paruv : thadayâtaiy : tya : manâ :
kartam : naishim : ima : varnavâtaiy : d

50 uruxtam : maniyâtaiy : thâtiy :
Dârayavaush : xshâyathiya : tyaiy

51 : paruvâ : xshâyathiyâ : yâtâ : âha :
avaishâm : avâ : naiy : astiy : kar

52 tam : yathâ : manâ : vashnâ :
Auramazdâha : hamahyâyâ : tharda :
kartam : thâ

53 tiy : Dârayavaush : xshâyathiya :
nûram : thuvâm : varnavatâm : tya : man

54 â : kartam : avathâ : kârahyâ : râdiy :
mâ : apagaudaya : yadiy : imâm :

55 hadugâm : naiy : apagaudayâhy :
kârahyâ : thâhy : Auramazdâ : thuvâm :

56 daushtâ : biya : utâtaiy : taumâ : vasiy :
biyâ : utâ : dargam : jîvâ

57 thâtiy : Dârayavaush : xshâyathiya :
yadiy : imâm hadugâm : apagaudayâ

58 hy : naiy : thâhy : kârahyâ :
Auramazdâtay : jatâ : biyâ : utâtaiy : taum

59 â : mâ : biyâ : thâtiy : Dârayavaush :
xshâyathiya : ima : tya : adam :
akunavam :

60 hamahyâyâ : tharda : vashnâ :
Auramazdâha : akunavam :
Auramazdâmayi : upas

61 tâm : abara : utâ : aniyâha : bagâha :
tyaiy : hatiy : thâtiy : Dârayavau

62 sh : xshâyathiya : avahyarâdiy :
Auramazdâ : upastâm : abara : utâ : ani

63 yâha : bagâha : tyaiy : haijy : yathâ :
naiy : arika : âham : naiy : draujana :
âham : na

64 iy : zûrakara : âham : naiy : adam :
naimaiy : taumâ : upariy : arshâtâm : upariy

65 âyam : naiy : shkaurim : naiy :
tunuvatam : zûra : akunavam : martiya :
hya : hamata

66 xshâta : manâ : vithiyâ : avam :
ubartam : abaram : hya : viyanâthaya :
avam : ufrasta

67 m : aparsam : thâtiy : Dârayavaush :
xshâyathiya : tuvam : kê : xshâyathiya :

68 hya : aparam : âhy : martiya : hya :
draujana : ahatiy : hyavâ : zurakara : ahat

69 iy : avaiy : mâ : daushtâ : biyâ :
ufrashtâdiy : parsâ : thâtiy : Dâra

70 yavaush : xshâyathiya : tuvam : kê :
hya : aparam : imâm : dipim : vainâhy : ty

71 âm : adam : niyapaisham : imaivâ :
patikarâ : mâtya : vikanâhy : yâvâ : u

72 tava : âhy : avathâshatâ : paribarâ :
thâtiy : Dârayavaush : xshâyathiya : ya

73 diy : imâm : dipim : vainâhy : imaivâ :
patikarâ : naiydish : vikanâhy : utâ

74 taiy : yâvâ : taumâ : ahatiy :
paribarâhadish : Auramazdâ : thuvâm
daushtâ : biy

75 â : utâtaiy : taumâ : vasiy : biyâ : utâ :
dargam : jîvâ : utâ : tya : kunavâhy

76 : avataiy : Auramazdâ : ucâram :
kunautuv : thâtiy : Dârayavaush : xshâ

77 yathiya : yadiy : imâm : dipim :

imaivâ : patikarâ : vainâhy :
vikanâhadish : ut

78 âtaiy : yâvâ : taumâ : ahatiy : naiydish :
paribarâhy : Auramazdâtaiy : jatâ : b

79 iyâ : utâtaiy : taumâ : mâ : biyâ : utâ :
tya : kunavâhy : avataiy : Auramazd

80 â : nikatuv : thâtiy : Dârayavaush :
xshâyathiya : imaiy : martiyâ : tyaiy

81 : adakaiy : avadâ : âhatâ : yâtâ : adam :
Gaumâtam : tyam : magum : avâjanam :

82 hya : Bardiya : agaubatâ : adakaiy :
imaiy : martiyâ : hamataxshatâ :
anushiyâ : man

83 â : Vidafarnâ : nâma : Vâyaspârahyâ :
puça Pârsa: Utâna : nâma : Thuxrahyâ

84 : puça : Pârsa : Gaubaruva : nâma :
Marduniyahyâ : puça : Pârsa : Vidarna :
nâma : Ba

85 gâbignahyâ : puça : Pârsa :
Bagabuxsha : nâma : Dâtuvahyahyâ :
puça : Pârsa :

86 Ardumanish : nâma : Vahaukahyâ :
puça : Pârsa : thâtiy : Dârayavaush :
xshâyath

87 iya : tuvam : kê : xshâyathiya : hya :
aparam : âhy : tyâm : imaishâm :
martiyânâ

88 m : taumâm : uba(r)tâm : paribarâ :
thâtiy : Dârayavaush : xshâyathiya :
vashnâ : Au

89 ramazdâha : i(ya)m : dipîmaiyy :
ty(âm) : adam : akunavam : patisham :
ariyâ : âha : utâ : pavast

90 âyâ : utâ : carmâ : grathitâ : âha :
patishamaiy : patikaram : akunavam :
patisham : uvadâ

91 m : akunavam : utâ : niyapithiya : utâ : patiyafrasiya : paishiyâ : mâm : pasâva : i(mâ)m : d	
92 ipim : adam : frâstâyam : vispadâ : atar : dahyâva : kêra : hamâtaxshatâ	

DB

ستون پنجم

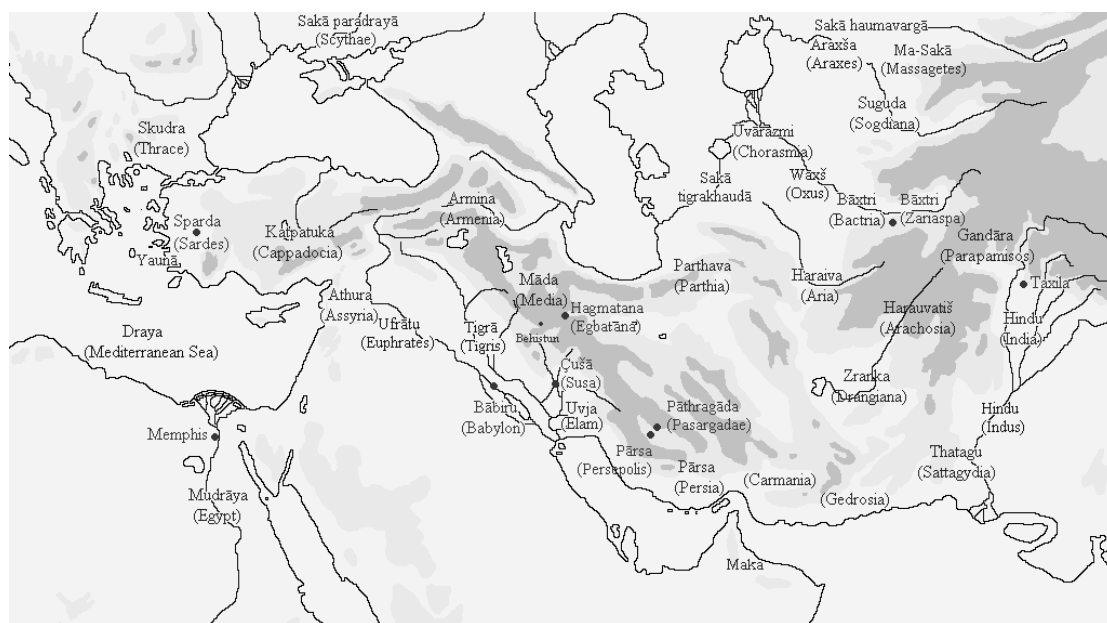
نویسه لاتین متن پارسی باستان	برگردان به پارسی
1 : thâtiy : Dârayavaush : xshâyathiya :	(5.1-14.) 71. داریوش شاه گوید: این [است] آنچه من در دومین و سومین سال پس از آنکه شاه شدم کردم. کشور عیلام نافرمان شد. مردی عیلامی آتَمَ نیت نام او را سردار کردند. پس از آن من سپاهی به عیلام فرستادم. مردی گئوبروو نام پارسی بنده من او را بر آنها سردار کردم. پس از آن گئوبروو با سپاه رهسپار عیلام شد. با عیلامیان جنگ کرد. پس از آن گئوبروو عیلامیان را بزد و تار و مار کرد و سردار آنها را گرفت. به نزد من آورد و من او را گشتم. پس از آن کشور از آن من شد.
2 ima : tya : adam : akunavam : duvitîyâ	(5.14-7.) 72. داریوش شاه گوید: آن عیلامیان بی ایمان بودند و اهورامزدا از طرف آنها پرستش نمی شد. [من] اهورامزدا را می پرستیدم. به خواست اهورامزدا هر طور میل من [بود] همان طور با آنها کردم.
3 mca : çitâmçâ : thardam : pasâva : yathâ : xshâya	(5.18-20.) 73. داریوش شاه گوید: آن که اهورامزدا را بپرستد تا هنگامی که توانایی دارد چه زنده چه مرده شادی از آن او خواهد بود.
4 thiya : abavam : Ûvja : nâmâ : dahyâush : hau	(5.20-30.) 74. داریوش شاه گوید: پس از آن با سپاه به سوی سکاییه رهسپار شدم. در دنبال سکاها آنها که خود تیز دارند. چون به نزدیک دریا رسیدم پس با تمام سپاه با کلک از آن گذشتم. پس از آن سکاها را بسیار بزدم. [سردار] دیگری را [از آن سکاها] گرفتم. او بسته به نزد من آورده شد و او را گشتم. سردار ایشان سکونخا نام او را گرفتند و به نزد من آوردند، آنگاه چنانکه میل من بود دیگری را سردار کردم. پس از آن کشور از آن من شد.
5 v : hamiçiyâ : abava : I martiya : Atamaita : nâma : Û	(5.30-3.) 75. داریوش شاه گوید: آن سکاها بی ایمان بودند و اهورامزدا از طرف آنها پرستش نمی شد. [من] اهورامزدا را می پرستیدم. به خواست اهورامزدا هر
6 vjiya : avam : mathishtam : akunavatâ : pasâva : ada	
7 m : kêram : fraishayam : I martiya : Gaubaruva :	
8 nâma : Pârsa : manâ : badaka : avamshâm : mathishtam : aku	
9 navam : pasâva : Gaubaruva : hadâ : kârâ : asiyava :	
10 Ûvjam : hamaranam : akunaush : hadâ : Ûvjiyaibish : pas	
11 âva : Gaubaruva : Ûvjyîyâ : avâja : viyamarda :	
12 utâ : tyamshâm : mathishtam : agarbâya : anaya : abi	
13 y : mâm : utâshim : adam : avâjanam :	

<p>pasâva : dahyâ</p> <p>14 ush : manâ : abava : thâtiy Dârayavaush : xshâyathi</p> <p>15 ya : avaiy : Ūvjyâ : arikâ : âha : utâshâm : Aurama</p> <p>16 zdâ : naiy : ayadiya : Auramazdâm : ayadaiy : vashnâ : A</p> <p>17 uramazdâha : yathâ : mâm : kâma : avathâdish : akunavam</p> <p>18 : thâtiy Dârayavaush : xshâyathiya : hya : Auramazdâ</p> <p>19 m : yadâtaiy : yânam : avahâ : ahatiy : utâ : jîvah</p> <p>20 yâ : utâ : martahyâ : thâtiy : Dârayavaush : xsh</p> <p>21 âyathiya : pasâva : hadâ : kârâ : adam : ashiyavam : abiy : Sak</p> <p>22 âm : pasâ : Sakâ : tyaiy : xaudâm : tigrâm : barati</p> <p>23 y : imaiy : Sakâ : hacâma : âisha : yadiy : abiy : draya : a</p> <p>24 vârasam : parashim : avadâ : hadâ : kârâ : visâ : viyatara</p> <p>25 yam : pasâva : adam : Sakâ : vasiy : ajanam : aniyam : aga</p> <p>26 rbâyam : hauv : basta : anayatâ : abiy : mâm : ut</p> <p>27 âshim : avâjanam : mathishtashâm : Skuxa : nâma : avam : aga</p> <p>28 rbâya : utâ : anaya : abiy : mâm : avadâ : aniyam : math</p> <p>29 ishtam : akunavam : yathâ : mâm : kâma : âha : pasâva : da</p>	<p>طور میل من [بود] همانطور با آنها کردم.</p> <p>(5.33-6.) 76. داریوش شاه گوید: آن که اهورامزدا را بپرستد تا توانایی دارد چه زنده چه مرده شادی از آن او خواهد بود.</p>
--	--

30 hyâush : manâ : abava : thâtiy Dârayavaush : xshâya
31 thiya : avaiy : Sakâ : arikâ : âha : utâ : naiy : Auramazd
32 âshâm : ayadiya : Aurmazdâm : ayadaiy : vashnâ : Aurama
33 zdâha : yathâ : mâm : kâma : avathâdish : akunavam : thât
34 iy : Dârayavaush : xshâyathiya : hya : Auramazdâm : yadâta
35 iy : avahyâ : yânam : ahatiy : utâ : jîvahyâ : utâ
38 : martahyâ

بند پایانی متن پارسی باستان این سنگ نبشته به شدت آسیب دیده ولی خوشبختانه این بند در متن ایلامی بسامان مانده است برای کامل کردن گزارش داریوش بزرگ ترجمه آن آورده می شود

داریوش شاه می گوید: با یاری اهورامزدا خطی درست کردم از نوعی دیگر (یعنی) به آریایی که پیش از این نبود، هم بر لوح های گلی، هم بر روی پرگامنت. همچنین امضا و مهر کردم. این خط نوشته شد و برایم خوانده شد. سپس فرستادم این خط را به همه کشورها. مردم این خط را آموختند.



از گمانه زنی ها تا کشف واقعیت های بیستون

چندین نفر این بنای یادبود را توصیف کرده اند اولین آنها کتسیاس یونانی بود. او به ما می گوید که یک چاه و یک باغ در زیر این بنای یادبود قرار داشت. که توسط سمیرامیس ملکه آشوری به خداوند اهدا شده است. کتسیاس نام خدای یونانی یعنی زئوس را در آنجا بکار می برد. نویسنده رومی تاسیتوس ما را از وجود قربانگاهی برای هرکول آگاه می سازد و این گزارش تاسیتوس در سال ۱۹۵۹ با پیدا شدن مجسمه خدای یونانی، هرکول، به حقیقت می پیوندد. بعد از سقوط امپراطوری هخامنشیان، اهمیت این بنا به دست فراموشی سپرده می شود و در قرن هفتم یک داستان افسانه ایی به ما می گوید که این نقش برجسته ها، نقش خسرو پرویز است که بر دشمنانش پیروز شده است. در سده های میانی یک جغرافیدان و جهانگرد عرب به نام ابن حوقل با دیدن نقش برجسته داریوش و اسیران فکر کرد که داریوش، یک معلم است که در جلوی دانش آموزانش ایستاده است. او کمان داریوش را، شلاقی تصور کرد که معلم برای تنبیه بچه ها از آن استفاده می کرد. در سال ۱۵۹۸ رابرت شرلی، دیپلمات انگلیسی به ایران سفر کرد تا با شاه عباس صفوی در مورد جنگ با عثمانی صحبت کند. یکی از همراهان شرلی، فردی فرانسوی بود بنام آبل پینسن. او این نقش برجسته ها و کتیبه های آن را که بر بالای یک صخره قرار گرفته بود عروج عیسی توصیف کرد که نوشته هایی به زبان یونانی در اطراف آن نوشته شده است. مطمئنا پینسن، نقش گئومات مَع را که زیر پای داریوش بزرگ افتاده بود را ندیده بود. ولی او آخرین کسی نبود که اشتباه می کرد. در سال ۱۸۰۸ یک جهانگرد فرانسوی بنام ژاردن نگاره بیستون را صلیبی با ۱۲ حواری انگاشت و در سال ۱۸۱۸ دانش پژوه انگلیسی روبرت کرپورتر نخستین طرح از بیستون را تهیه کرد. او نگاره بیستون را در پیوند با صحنه ای از تورات دانسته بود. به گمان او تصویر داریوش و شورشیان نمایشی بود از نمایندگان ۱۰ قوم اسرائیلی در حضور سلیمانصر، شاه آشور. ولی اولین کوشش جدی توسط یک انگلیسی بنام هنری راولینسون در سال ۱۸۳۵ انجام گرفت. او که به نظر می رسید کوهنورد ماهری باشد چندین مرتبه از صخره بیستون برای تهیه رونوشتهایی از متون میخی، بالا رفت. این سیستم نوشتاری تا آنزمان شناخته نشده بود. اما راولینسون واژه داریوش (*Dârayavauš*) را از پیش، بواسطه پژوهش های دانشمندان می شناخت. و او توانست حروف داریوش را در میان متون پارسی باستان کتیبه بیستون پیدا کند. همچنین دانش پژوه آلمانی، فریدریش گروتفند، هم در زمینه رمز گشایی خط میخی پارسی باستان پیشرفتهای خوبی کرده بود و زمانی که راولینسون یادداشتهایی

از این دانشمند آلمانی را بدست آورد. موفق شد رمز این خط کهن را بشکند و اولین جمله هایی که او با آن مواجه شد این دو بند از ستون اول خط پارسی باستان بودند.

بند ۱- من داریوش، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه در پارس، شاه کشورها، پسر ویشتاسپ، نوه ارشام هخامنشی

بند ۲- داریوش شاه گوید: پدر من ویشتاسپ، پدر ویشتاسپ ارشام، پدر ارشام آریامن، پدر آریامن پیش پیش، پدر پیش پیش هخامنش.

جالب اینکه او این لیست را در کتاب تاریخ هرودت هم دیده بود جایی که نامها به ترتیب ذکر شده آمده بودند. در سال ۱۸۳۷ راولینسون باز به بیستون برگشت و به همراه یک پسر چابک گُرد رونبشت های جدیدی از نیمی از متن پارسی باستان تهیه کرد. او این کار را با به خطر انداختن جاننش انجام می داد. چونکه کوهنوردی بر روی صخره بیستون کار بسیار سخت و دشواری بود. راولینسون بالاخره تمام راز و رمز خط پارسی باستان را کشف کرد. او همچنین کتاب مقدس اوستا را خواند و بزودی توانست تمام متن پارسی باستان را بخواند و گرامر و دستور و واژگان زبان پارسی باستان را بشناسد. او در سال ۱۸۳۸ اولین نتایجش را به انجمن سلطنتی آسیایی لندن و انجمن آسیایی در پاریس فرستاد و هشت سال بعد او شروع به انتشار رمز گشایی و ترجمه خط پارسی باستان در بیستون، در مجله انجمن سلطنتی آسیایی کرد.

این ترجمه راولینسون شور و حال خاصی را در میان دانشمندان بوجود آورد. این ترجمه به ما می گفت که چطور یک مُغ تاج و تخت ایران را بعد از مرگ کمبوجیه تسخیر کرد و ادعا می کرد که بردیا برادر کمبوجیه است. و بعد هم او توسط داریوش و یارانش کشته شد. این نبشته ها، گزارش باورنکردنی هرودت در این زمینه را ثابت می کردند و چگونگی فرونشاندن شورش ها را برای ما بازگو می کردند. که بسیار جالب توجه بودند.

در سال ۱۸۴۴ راولینسون و همکارانش، دوباره از صخره های بیستون برای تهیه متن کامل بیستون بالا رفتند. دو همکارش بنامهای وسترگارد و نوریس موفق شدند که نوشته های به زبان ایلامی را رمز گشایی بکنند و این یک پیروزی بسیار بزرگ محسوب می شد چرا که این زبان یک زبان مرده بود و هیچ ارتباطی به زبانهای شناخته شده ای که صحبت می شدند، نداشت. راولینسون در سال ۱۸۵۲ خط میخی بابلی را با داشتن ۵۰۰ نشانه رمز گشایی کرد. و این موجب شد که دانش پژوهان

بتوانند لوح های گلی بسیاری را که در حفاری های نینوا بدست می آوردند، را بخوانند. و خواندن این لوح ها رشته ای بنام آشور شناسی را پدید آورد.

خط میخی چیست؟

خط میخی خطی است که توسط اقوام باستانی آسیای غربی مثل سومری ها، آشوری ها، بابلی ها، ایلامی ها و ایرانی ها از هزاره سوم پیش از میلاد تا نیمه سده اول میلادی برای نوشتن استفاده می شده است. در این خط واژه ها یا هجاها یا حروف آن از نشانه های میخمانندی که در کنار هم قرار گرفته اند درست شده است. این میخها با توجه به جهت قرار گرفتنشان تشکیل چهار عنصر را می دهند. عنصر پنجمی هم وجود دارد که از ترکیب دو میخ به صورت زاویه ای با دهانه باز به سمت راست، درست شده است. این احتمال می رود که سومری ها نشانه های خط میخی را در حدود ۲۹۰۰ پیش از میلاد در جلگه های پایین دجله و فرات، با ساده کردن خط تصویری ساخته اند. اکدی ها نیز با کوچ کردن به بابل، از سال ۲۴۰۰ پیش از میلاد خط میخی گرفته شده از خط تصویری را از سومری ها آموختند. ولی خط میخی اکدی-سومری شکل بسیار پیچیده ای داشت. این خط بیش از ۲۰۰۰ نشانه و ۲۰۰۰۰ هزارش داشت. بعدها بابلی ها با کاستن از تعداد نشانه های خط میخی، آن را به ۴۰۰ تا ۳۵۰ نشانه رساندند. اکدی ها با صرف نظر کردن از تاثیر معنی واژه، در شکل واژه فصل تازه ای را در تاریخ خط گشودند و از واژه نگاری به هجا نگاری توجه نمودند. در زمان فرمانروایی اکدی ها در بابل، خط میخی به آشور و ایلام نیز راه یافت و اندکی بعد کاری ها در آسیای صغیر نیز به خط میخی روی آوردند. خط میخی، کمی پس از سال ۲۰۰۰ پیش از میلاد، به سوریه راه یافت و از این راه هیتی ها هم با خط میخی آشنا شدند. این خط حدود ۱۴۰۰ پیش از میلاد خط بین المللی بخش بزرگی از غرب آسیا را تشکیل می داد. در هزاره اول پیش از میلاد اورارتوها هم خط میخی آشوری را گرفتند و ایرانیان در سده پنجم پیش از میلاد، برای نخستین بار به فرمان داریوش بزرگ خط میخی پارسی باستان را از خط ایلامی درست کردند. خط میخی پارسی باستان با این گمان که از خط ایلامی گرفته شده است خط مستقلی است و آن را می توان تنها خط میخی الفبایی نامید.

خط میخی پارسی باستان

خط میخی پارسی باستان از خط های میخی ایلامی و بابلی زاده شده است. این خط در نگاه نخست فرقی با دیگر خط های میخی ندارد، اما در یک نگاه در می یابیم که این خط دارای ویژگی های خود است و مخصوصا از نظر سادگی نشان ها و شمار محدود آن ها کاملا متفاوت از دیگر خط های میخی است. خط میخی پارسی باستان ۳۶ حرف یا نشان و ۸ هزوارش (ایدئوگرام یا لوگوگرام) دارد. و از چپ به راست نوشته می شود. ویژگی این خط میخی نسبت به خطهای میخی دیگر این است که:

۱- هیچ نشانی کم تر از دو میخ (جز نشان فاصل و نشان عدد ۱) و بیشتر از ۵ میخ (جز هزوارش های زمین و اهورامزدا) ندارد.

۲- هیچ نشانی بیشتر از ۴ میخ افقی ندارد (جز هزوارش اهورامزدا)

۳- هیچ نشانی بیشتر از ۳ میخ عمودی ندارد.

۴- در هیچ نشانی بیشتر از دو عنصر زاویه که خود از دو میخ درست شده است وجود ندارد (جز هزوارش های زمین و اهورامزدا).

۵- جز در نشان "وی" هیچ گاه دو میخ همدیگر را به صورت عمود بر هم قطع نمی کنند.

به این ترتیب، ملاحظه می شود که شباهت خط میخی پارسی باستان با دیگر خط های میخی بسیار ناچیز است و هیچ نشانه ای از تکامل به مرور در آن به چشم نمی خورد، و این بدان معنی است که این خط در زمانی معین و به یک بار، با تقلید از تجربه های خط های میخی آسیای غربی پدید آمده است.

اکنون که دریافتیم که خط میخی پارسی باستان یک خط ابداعی است و در یک نوبت پدید آمده است، پس سازنده آن چه کسی است؟

علامت های خط میخی پارسی باستان								
a	i	u	k^a	k^u	x^a	g^a	g^u	c^a
j^a	jⁱ	d^a	dⁱ	d^u	t^a	t^u	θ^a	ç^a
n^a	n^u	p^a	f^a	b^a	m^a	mⁱ	m^u	y^a
r^a	rⁱ	l^a	v^a	vⁱ	s^a	š^a	z^a	h^a
 <i>xšāyathiya</i> "king"								
 <i>būmiš</i> "earth"								
 <i>dahyāuš</i> "country"								
 <i>baga</i> "god"								
 <i>Auramazdā</i> Ahuramazda								
1	2	3	4	10	20	30	40	100

سازنده خط میخی پارسی باستان کیست؟

کهن ترین نبشته هایی که که به این خط به دست ما رسیده اند یکی لوح های زرین اریارمنه و ارشام و سنگ نبشته های منسوب به کورش بزرگ در پاسارگاد می باشند. متن لوح زرین آریارمنه چنین است:

اریارمنه شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه در پارس، پسر چیش پیش شاه، نوه هخامنش. اریارمنه گوید، این کشور که من دارم، دارای اسبان خوب و مردان خوب است، خدای بزرگ اهورامزدا به من داد. به خواست اهورامزدا من شاه در این کشورم. اریارمنه شاه گوید، اهورامزدا مرا پشتیبانی فرماید.

لوح زرین ارشام پسر اریارمنه، با تفاوتی بسیار ناچیز دارای همان متن لوح اریارمنه است. و نبشته منسوب به کورش تنها از چهار واژه درست شده است. که در پاسارگاد در چهار جا تکرار شده است:

من کورش، شاه هخامنشی.

اکنون که کهن ترین نبشته ها را به خط پارسی باستان شناختیم. باید به چند پرسش هم پاسخ داده شود.

۱- آیا پارسی باستان را باید در تاریخی پیش از اریارمنه جستجو کرد؟

۲- آیا این خط در زمان اریارمنه یا کورش درست شده است؟

۳- یا خط میخی پارسی باستان در روزگاری پس از اریارمنه و ارشام و کورش پدید آمده است و از این روی نبشته های منسوب به این سه شاه نمی توانند از خود آنان باشند.

بی گمان اگر تنها به پرسش سوم پاسخ داده شود، به پاسخ دو پرسش نخست نیز خواهیم رسید.

میدانیم که هخامنشیان حدود ۷۰۰ پیش از میلاد، به رهبری هخامنش حکومت کوچکی در پیرامون کوه های بختیاری و مسجد سلیمان امروز بنیان گذاشتند. چیش پیش، پسر و جانشین هخامنش، موفق به گسترش قلمرو هخامنشیان شده و به عنوان شاه انشان شهرت پیدا کرده بود، به هنگام مرگ سرزمین های زیر فرمانروایی خود را میان دو پسر خود اریارمنه و کورش، نیای کورش بزرگ، تقسیم کرد. پارس از آن اریارمنه شد و بخش غربی فرمانروایی از آن کورش. در شاخه شرقی، پس از اریارمنه، حکومت به پسرش ارشام، پدربزرگ داریوش رسید و در شاخه غربی، پس از کورش پسرش کمبوجیه، پدر کورش بزرگ حکومت را به دست گرفت. کورش بزرگ توانست با نام نخستین شاه نیرومند هخامنشی، فرمانروایی بزرگ هخامنشیان را تثبیت کند و تقریباً ارشام را از عنوان بیندازد. شش سال پس از کورش، با مرگ پسر و جانشینش کمبوجیه، داریوش توانست در سال ۵۲۲ پیش از میلاد، در حالی که هنوز پدرش و ویشتاسپ و پدر بزرگش ارشام زنده

بودند، فرمانروایی بر امپراطوری جهانی هخامنشیان را به شاخه خود انتقال دهد. اکنون به پرسش سوم برمی گردیم. به نظر می رسد که در زمان فرمانروایان پیش از داریوش خط میخی پارسی باستان وجود نداشته و سنگ نبشته های منسوب به اینان وسیله شخص دیگری پدید آمده اند.

۱- در لوح زرین منسوب به اریارمنه، این شاه خود را شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه در پارس می خواند، اگر بپذیریم در آغاز از صفت بزرگ، به رسم همه شاهان، به طور سمبولیک استفاده شده است، نویساننده این لوح در ادامه با یک تیر دو نشان زده است: هم جد بزرگوارش را شاه خوانده است و هم نخواستہ است این واقعیت را که فقط او شاه در پارس است انکار کند. خود اریارمنه هرگز نمی توانست. با وجود برادرش، کورش شاه (شاه در بخش غربی فرمانروایی هخامنشیان)، خود را شاه شاهان بخواند. زیرا کسی می توانست خود را شاه شاهان بخواند که بر چندین شاه فرمانروایی بی چون و چرا داشته باشد. نگرانی دیگر این که اریارمنه، با توانایی محدودی که داشته، نمی توانسته است پدید آورنده خطی باشد که از آن تنها یک لوح بر جای ماند.

۲- اگر در زمان اریارمنه خط میخی پارسی باستان وجود می داشت، لازم می بود که علاوه بر لوح زرین، نشانه های دیگری از این خط به دست آید. بررسی های باستان شناسان دست کم تا به امروز نشان داده اند که امکان دست یافتن به چنین نوشته ای تقریباً وجود ندارد.

۳- اگر در زمان ارشام خط میخی پارسی باستان وجود می داشت و لوح زرین منسوب به او از آن خود او می بود، او نمی توانست، با وجود حضور شخصی مقتدر مانند کورش بزرگ، خود را شاه شاهان بخواند، می دانیم که ارشام در برابر قدرت کورش حتا عنوان شاهی خود را از دست می دهد و در زمان کورش بزرگ فرمانروایی، عملاً و منحصرأ از آن شاخه غربی هخامنشیان می شود.

۴- اگر اریارمنه و ارشام، نیاکان داریوش، به راستی شاه شاهان می بودند، چگونه داریوش در سنگ نبشته های خود، با وجود زنده بودن پدر و پدر بزرگش خود را شاه شاهان می نامند؟

۵- اگر خط میخی پارسی باستان در زمان کورش بزرگ وجود می داشت، لازم می آمد که در منشور مشهور او از خط میخی پارسی باستان هم استفاده می شد، یا نوشته های زیادی از زمان پرتحرک او به خط میخی پارسی باستان برجای می ماند.

۶- اگر در زمان کورش بزرگ خط میخی پارسی باستان وجود می داشت، بیشتر از اریارمنه و ارشام، او می توانست خود را شاه شاهان بخواند، اما در همه نبشته های منسوب به او تنها این چهار واژه

آمده است: منم کورش شاه هخامنشی. این عبارت دروغ نیست، اما در مقایسه با لوح های اریارمنه و ارشام، در ارتباط با کورش بزرگ حق مطلب ادا نشده است.

۷- هزوارش ها پس از سنگ نبشته داریوش در بیستون ساخته شده اند. واژه شاه بیش از ۱۰۰ بار در بیستون تکرار می شود، که اگر به صورت هزوارش نوشته می شد، در بیستون، ۶۰۰ نشان خط میخی پارسی باستان کم تر کنده می شد. همچنین از هزوارش ها تنها هزوارش شاه در سنگ نبشته های (به غیر از بیستون) داریوش آمده است و پیداست که دیگر هزوارش ها پس از داریوش فراهم آمده اند. بنابر این دامن و آستین لباس کورش به راستی نمی توانسته اند در زمان خود او دارای نبشته ای به خط میخی پارسی باستان و استفاده از هزوارش شاه باشند.

همچنین داریوش بزرگ در بند ۷۰ متن ایلامی در بیستون، خود را پدید آورنده خط آریایی می داند. ترجمه بند ۷۰ متن ایلامی چنین است:

۱- دایوش شاه گوید: با

۲- یاری اهورامزدا خطی درست کردم

۳- از نوعی دیگر (یعنی) به آریایی

۴- آن که پیش از این نبود، هم بر روی لوح های گلی،

۵- هم بر روی پرگامنت. همچنین

۶- امضا و مهر کردم.

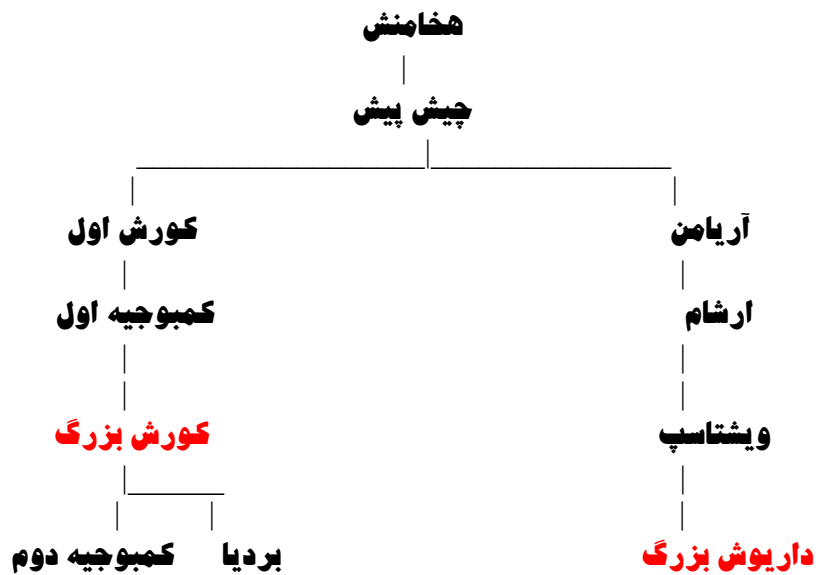
۷- این خط نوشته شد و برایم

۸- خوانده شد. سپس فرستادم

۹- این خط را به همه کشورها.

۱۰- مردم این خط را آموختند.

مجموع این دلایل ثابت می کند که پیش از داریوش بزرگ خط میخی پارسی باستان وجود نداشته و این خط به دستور داریوش برای اینکه جوابگوی امپراطوری چند ملیتی ایران باشد به یکباره ابداع گردید



واژگان

- aita
demonstrative pronoun; nominative singular neuter <aita-> 'he, this' -
- aitamaiy
demonstrative pronoun; nominative singular neuter <aita-> 'he, this' +
personal pronoun; genitive singular <adam> 'I' -
- aitā
demonstrative pronoun; accusative plural feminine <aita-> 'he, this' -
- aitā
demonstrative pronoun; nominative plural feminine <aita-> 'he, this' -
- aivam
adjective; accusative singular masculine <aiva-> 'one' -

Auramazdahā

proper name; genitive singular masculine <Auramazdāh-> 'Ahura Mazda' -

Auramazdā

proper name; nominative singular masculine <Auramazdāh-> 'Ahura Mazda' -

Auramazdātay

proper name; nominative singular masculine <Auramazdāh-> 'Ahura Mazda' + personal pronoun; genitive singular <tuvam-> 'you' -

Auramazdām

proper name; accusative singular masculine <Auramazdāh-> 'Ahura Mazda' -

Auramazdāmai

proper name; nominative singular masculine <Auramazdāh-> 'Ahura Mazda' + enclitic personal pronoun; accusative singular <adam> 'I' -

Auramazdāmai

proper name; nominative singular masculine <Auramazdāh-> 'Ahura Mazda' + personal pronoun; genitive singular <adam> 'I' -

Auramazdāha

proper name; genitive singular masculine <Auramazdāh-> 'Ahura Mazda' -

Auramazdāhā

proper name; genitive singular masculine <Auramazdāh-> 'Ahura Mazda' -

akariya

verb; 3rd person singular imperfect indicative passive <kar> 'do, make' -

akunauš

verb; 3rd person singular imperfect indicative active <kar> 'do, make'

akunava

verb; 3rd person plural imperfect indicative middle <kar> 'do, make'

akunavam

verb; 1st person singular imperfect indicative active <kar> 'do, make'

agarbāyatā

verb; 3rd person singular imperfect indicative causative middle <grab> 'seize, grab'

ajanam

verb; 1st person singular imperfect indicative active <jan> 'smite, strike, slay'

atar

preposition; <atar> 'within, among'

atarsa

verb; 3rd person singular imperfect indicative middle <tars> 'fear, be afraid'

- aθaham
verb; 1st person singular imperfect indicative active <θah> 'speak, say, declare'
- adataiy
adverb; <ada> 'then' + enclitic personal pronoun; genitive singular <tuvam-> 'you' -
- adam
personal pronoun; nominative singular <adam> 'I'
- adamšim
personal pronoun; nominative singular <adam> 'I' + enclitic pronoun; accusative singular feminine <ši-> 'she, this'
- adaršnauš
verb; 3rd person singular imperfect indicative active <dars> 'dare'
- adā
verb; 3rd person singular aorist indicative active <dā> 'put, make, create'
- adānā
verb; 3rd person singular imperfect middle <xšnā> 'learn, know'
- adāraya
verb; 3rd person singular present indicative middle causative <dar> 'hold, support'
- adīnam
verb; 1st person singular imperfect indicative active <dī> 'take, seize'
- adurujiya
verb; 1st person singular imperfect indicative middle <drug-> 'lie, deceive'
- aniyašca
adjective; nominative singular neuter <aniya-> 'other' + conjunction; <ca> 'and, but'
- aniyā
adjective; nominative plural feminine <aniya-> 'other'
- aniyāuvā
adjective; locative plural feminine <aniya-> 'other'
- aniyāha
adjective; nominative plural masculine <aniya-> 'other'
- anušiyā
noun; nominative plural masculine <anušiya-> 'follower, ally'
- apagaudaya
preposition; <apa> 'away' + verb; 2nd person singular present subjunctive active <gud> 'hide'
- apagaudayāhy
preposition; <apa> 'away' + verb; 2nd person singular present subjunctive causative active <gud> 'hide'
- apara

- adjective; nominative singular masculine <apara-> 'later, after'
- aparam
adverb; <aparam> 'after'
- aparsam
verb; 1st person singular imperfect indicative active <fraθ> 'ask, inquire, investigate, indict'
- abara
verb; 3rd person plural imperfect indicative active <bar> 'bear, carry'
- abara
verb; 3rd person singular imperfect indicative middle <bar> 'bear, carry'
- abaram
verb; 1st person singular imperfect indicative active <bar> 'bear, carry'
- abava
verb; 3rd person singular imperfect indicative middle <bu> 'be, become'
- abavam
verb; 1st person singular imperfect indicative active <bu> 'be, become'
- abiy
preposition; <abiy> 'to, toward, against'
- amariyatā
verb; 3rd person singular imperfect indicative middle <mar> 'die'
- amāxam
personal pronoun; genitive plural <adam> 'I'
- amiy
verb; 1st person singular present indicative active <ah> 'be'
- ayauda
verb; 3rd person singular imperfect indicative middle <yaud> 'rise up, bubble over'
- ayadaiy
verb; 1st person singular imperfect indicative middle <yad> 'revere, worship'
- ayadiya
verb; 3rd person plural imperfect indicative passive <yad> 'revere, worship'
- Arakadriš
geographic name; nominative singular masculine <Arakadri-> a mountain in Persia
- arasam
verb; 1st person singular imperfect indicative active <ar> 'move toward'
- arika

- adjective; nominative singular masculine <arika-> 'treacherous, evil, hostile'
- ariya
adjective; nominative singular masculine <ariya-> 'Aryan'
- ariyaciça
adjective; <ariya-> 'Aryan' + noun; nominative singular masculine
<ciça-> 'seed, lineage'
- artācā
noun; instrumental singular neuter <arta-> 'Truth' + conjunction;
<ca> 'and, but'
- artāvā
adjective; nominative singular masculine <artāvan-> 'blessed, righteous'
- arštām
noun; accusative singular feminine <arštā-> 'righteousness, Truth'
- arštiš
noun; nominative singular feminine <aršti-> 'spear, weapon'
- ava
demonstrative pronoun; accusative singular neuter <ava-> 'this, that'
- ava
demonstrative pronoun; nominative singular neuter <ava-> 'this, that'
- ava
preposition; <ava> 'away, down'
- avaina
verb; 3rd person singular imperfect indicative middle <vaina-> 'see'
- avaiy
demonstrative pronoun; accusative plural masculine <ava-> 'this, that'
- avaišām
demonstrative pronoun; genitive plural masculine <ava-> 'this, that'
- avajata
verbal prefix; <ava> 'away, down' + verb; 3rd person singular
imperfect indicative middle <jan> 'smite, strike, slay'
- avaθā
adverb; <avaθa> 'thus, then'
- avadaša
adverb; <avadā> 'then, there' + enclitic demonstrative pronoun;
ablative singular masculine <ša-> 'he, this'
- avadašim
adverb; <avadā> 'then, there' + enclitic demonstrative pronoun;
accusative singular masculine <ša-> 'he, this'
- avadā
adverb; <avadā> 'then, there'
- avanā

- demonstrative pronoun; instrumental singular neuter <ava-> 'this, that'
- avam
demonstrative pronoun; accusative singular masculine <ava-> 'this, that'
- avam
demonstrative pronoun; accusative singular neuter <ava-> 'this, that' -
- avahyarādiy
demonstrative pronoun; genitive singular masculine <ava-> 'this, that' + adverb; <rādiy> 'on account of'
- avahyā
demonstrative pronoun; genitive singular masculine <ava-> 'this, that'
- avā
adverb; <avā> 'thus, as'
- avā
relative pronoun; nominative plural feminine <ava-> 'this, that'
- avāja
verbal prefix; <ava> 'away, down' + verb; 3rd person singular imperfect indicative middle <jan> 'smite, strike, slay'
- avājanam
verbal prefix; <ava> 'away, down' + verb; 1st person singular imperfect indicative active <jan> 'smite, strike, slay'
- avājaniyā
verbal prefix; <ava> 'away, down' + verb; 3rd person singular present optative active <jan> 'smite, strike, slay'
- astiy
verb; 3rd person singular present indicative active <ah> 'be'
- asmānam
noun; accusative singular masculine <asman-> 'sky'
- ašiyava
verb; 3rd person singular imperfect indicative middle <šiyu> 'set out, go'
- azdā
adverb; <azdā> 'known'
- ahatiy
verb; 3rd person singular present subjunctive active <ah> 'be'
- ahaniy
verb; 1st person singular present subjunctive active <ah> 'be'
- ahyāyā
demonstrative pronoun; locative singular feminine <a-> 'this'
- āha
verb; 3rd person plural imperfect indicative active <ah> 'be'
- āha
verb; 3rd person singular imperfect indicative active <ah> 'be'

- āhatā
verb; 3rd person plural imperfect indicative middle <ah> 'be'
- āham
verb; 1st person singular imperfect indicative active <ah> 'be'
- āhy
verb; 2nd person singular present subjunctive active <ah> 'be'
- idā
adverb; <idā> 'here'
- ima
demonstrative pronoun; nominative singular neuter <ima-> 'he, this'
- imām
demonstrative pronoun; accusative singular feminine <ima-> 'he, this'
- imām
demonstrative pronoun; accusative singular masculine <ima-> 'he, this'
- utašim
conjunctive particle; <utā> 'and' + enclitic pronoun; accusative singular feminine <ši-> 'she, this'
- utā
conjunction; <utā> 'and'
- utātaiy
conjunctive particle; <utā> 'and' + personal pronoun; genitive singular <tuvam-> 'you'
- utāmai
conjunctive particle; <utā> 'and' + personal pronoun; genitive singular <adam> 'I'
- udapatatā
verbal prefix; <ud> 'up' + verb; 3rd person singular imperfect indicative middle <pat> 'fly, fall'
- upariy
adverb; <upariy> 'over, above, in accordance with'
- upariyāyam
adverb; <upariy> 'over, above, in accordance with' + verb; 1st person singular imperfect indicative active <i> 'go'
- upastām
noun; accusative singular feminine <upastā-> 'aid, support'
- ufraštam
adverb; <u> 'well, good' + past participle passive; accusative singular masculine <fraθ> 'ask, inquire, investigate, indict'
- ufraštādiy
adverb; <u> 'well, good' + past participle passive; accusative singular masculine <fraθ> 'ask, inquire, investigate, indict' + emphatic particle; <diy> (used for emphasis)
- ubartam

- prefix; <u> 'well, good' + adverb; <bartam> 'well-born'
- uvāmaršiyuš
adjective; nominative singular masculine <uvāmaršiyu-> 'self-inflicted death'
- I
Roman numeral; <I> 'one'
- IX
Roman numeral; <IX> 'nine'
- kaufa
noun; nominative singular masculine <kaufa-> 'mountain'
- Kabūjiya
proper name; nominative singular masculine <Kambūjiya-> 'Cambyses'
- Kabūjiyahyā
proper name; genitive singular masculine <Kambūjiya-> 'Cambyses'
- Kabūjiyā
proper name; ablative singular masculine <Kambūjiya-> 'Cambyses'
- kamnaibiš
adjective; instrumental plural masculine <kamna-> 'few'
- kartam
past participle passive; accusative singular neuter <kar> 'do, make'
- kartam
past participle passive; nominative singular neuter <kar> 'do, make'
- kašciy
indefinite pronoun; nominative singular masculine <kašciy-> 'any, anyone, anything'
- kā
particle; <kā> (denotes generalization)
- kāma
noun; nominative singular masculine <kāma-> 'wish, desire'
- kāra
noun; nominative singular masculine <kāra-> 'man, person; the people'
- kāram
noun; accusative singular masculine <kāra-> 'man, person; the people'
- kārašim
noun; nominative singular masculine <kāra-> 'man, person; the people' + enclitic demonstrative pronoun; accusative singular masculine <ša-> 'he, this'
- kārahyā
noun; genitive singular masculine <kāra-> 'man, person; the people'
- Kūrauš
proper name; genitive singular masculine <Kūru-> 'Cyrus'
- X

- Roman numeral; <X> 'ten'
- XIV
Roman numeral; <XIV> 'fourteen'
- xsāyaθiya
noun; nominative singular masculine <xšāyaθiya-> 'royal, king'
- xšaçam
noun; accusative singular neuter <xšaça-> 'kingship, sovereignty, kingdom'
- xšaçamšim
noun; accusative singular neuter <xšaça-> 'kingship, sovereignty, kingdom' + enclitic demonstrative pronoun; accusative singular masculine <ša-> 'he, this'
- Xšayāršā
proper name; nominative singular masculine <Xšayāršan-> 'Xerxes'
- xšāyaθiya
noun; nominative singular masculine <xšāyaθiya-> 'royal, king'
- xšāyaθiyam
noun; accusative singular masculine <xšāyaθiya-> 'royal, king'
- xšāyaθiyā
noun; instrumental singular masculine <xšāyaθiya-> 'royal, king'
- xšāyaθiyānām
noun; genitive plural masculine <xšāyaθiya-> 'royal, king'
- xšnāsātiy
verb; 3rd person singular present subjunctive active <xšnā> 'learn, know'
- xšnāsāhy
verb; 2nd person singular present subjunctive active <xšnā> 'learn, know'
- Gaumāta
proper name; nominative singular masculine <Gaumāta-> 'Gaumata'
- Gaumātam
proper name; accusative singular masculine <Gaumāta-> 'Gaumata'
- Garmapadahya
proper name; genitive singular masculine <Garmapada-> fourth month of the Persian calendar, June - July
- gastā
noun; ablative singular neuter <gasta-> 'evil, harm'
- gāθavā
noun; locative singular feminine <gāθu-> 'place, throne, battlefield'
- gāθum
noun; accusative singular feminine <gāθu-> 'place, throne, battlefield'
- caxriyā
verb; 3rd person singular perfect optative causative active <kar> 'do, make'

- ciyakaram
adverb; <cayakaram> 'how much, how many'
- cišciy
indefinite pronoun; accusative singular masculine <kašciy-> 'any, anyone, anything'
- jatā
noun; nominative singular masculine <jatar-> 'smiter'
- jadiyāmiy
verb; 1st person singular present indicative active <jad> 'pray, ask'
- jīva
present active particle; nominative singular masculine <jiva-> 'living'
- jīvā
noun; nominative singular feminine <jīvā-> 'life'
- taumā
noun; nominative singular feminine <taumā-> 'family'
- taumāyā
noun; genitive singular feminine <taumā-> 'family'
- tunuvatam
noun; accusative singular masculine <tunuvat-> 'possessing power'
- tuva
pronoun; nominative singular <tuvam-> 'you'
- tuvam
personal pronoun; nominative singular masculine <tuvam-> 'you'
- tya
relative conjunction; accusative singular neuter <tya-> '(so/in order) that'
- tya
relative pronoun; <tya-> 'who, which; that'
- tya
relative pronoun; accusative singular neuter <tya-> 'who, which; that'
- tya
relative pronoun; nominative singular neuter <tya-> 'who, which; that'
- tyaiy
demonstrative pronoun; instrumental plural masculine <tya-> 'he, this, that'
- tyaiy
relative pronoun; accusative plural masculine <tya-> 'who, which; that'
- tyaiy
relative pronoun; accusative singular neuter <tya-> 'who, which; that'
- tyaiy
relative pronoun; nominative plural masculine <tya-> 'who, which; that'
- tyaišaiy

- relative pronoun; nominative plural masculine <tya-> 'who, which; that' + enclitic pronoun; genitive singular masculine <sa-> 'he, this'
- tyam
demonstrative pronoun; accusative singular masculine <tya-> 'he, this, that'
- tyašām
relative pronoun; accusative singular neuter <tya-> 'who, which; that' + enclitic demonstrative pronoun; genitive plural masculine <ša-> 'he, this'
- tyā
relative pronoun; nominative plural feminine <tya-> 'who, which; that'
- θakatā
adjective; nominative plural neuter <θakatay-> 'past'
- θarda
noun; genitive singular feminine <θard-> 'autumn, year'
- θastanaiy
infinitive; <θah> 'speak, say, declare'
- θātiy
verb; 3rd person singular imperfect indicative active <θah> 'speak, say, declare'
- θātiy
verb; 3rd person singular present indicative active <θah> 'speak, say, declare'
- θāhy
verb; 2nd person singular present indicative active <θah> 'speak, say, declare'
- θuvām
personal pronoun; accusative singular masculine <tuvam-> 'you'
- daivadānam
noun; <daiva-> 'daiva' + noun; accusative singular neuter <dāna-> 'offering'
- daivā
noun; accusative plural masculine <daiva-> 'daiva'
- dauštā
noun; nominative singular masculine <dauštar-> 'friend'
- dadātuv
verb; 3rd person singular present imperative active <dā> 'give, take'
- dargam
adverb; <dargam> 'long'
- daršam
adverb; <daršam> 'greatly, mightily, steadfastly'
- dahyauvā
noun; locative singular feminine <dahyu-> 'country, land, region'

- dahyāum
noun; accusative singular feminine <dahyu-> 'country, land, region'
- dahyāuš
noun; nominative singular feminine <dahyu-> 'country, land, region'
- dahyāušmaiy
noun; nominative singular feminine <dahyu-> 'country, land, region'
+ personal pronoun; genitive singular masculine <adam> 'I'
- dahyāva
noun; accusative plural feminine <dahyu-> 'country, land, region'
- dahyāva
noun; nominative plural feminine <dahyu-> 'country, land, region'
- dahyāvam
noun; accusative singular feminine <dahyu-> 'country, land, region'
- dahyušuvā
noun; locative plural feminine <dahyu-> 'country, land, region'
- dahyūnām
noun; genitive plural feminine <dahyu-> 'country, land, region'
- dātā
noun; accusative plural neuter <dāta-> 'law'
- Dārayavaum
proper name; accusative singular masculine <Dārayavahu-> 'Darius'
- Dārayavauš 𐎠𐎡𐎣𐎤
proper name; nominative singular masculine <Dārayavahu-> 'Darius'
- didā
noun; nominative singular feminine <didā-> 'fortress, wall'
- dipim
noun; accusative singular feminine <dipi-> 'inscription'
- dītam
past participle passive; accusative singular neuter <dā> 'give, take'
- dīdiy
verb; 2nd person singular present imperative middle <di> 'see, look'
- duruxtam
adjective; accusative singular neuter <duruxta-> 'false'
- duruvā
adjective; nominative singular feminine <duruva-> 'durable, stable, firm, secure'
- duškartam
adverb; <duš> 'difficult, bad, evil' + past participle passive;
accusative singular masculine <kar> 'do, make'
- dūraiapiy
adverb; <dūra> 'far' + enclitic particle; <apiy> emphatic particle
- dūrai
adverb; <dūrai> 'afar, far away'
- dūrayapiy

- adverb; <dūra> 'far' + enclitic particle; <apiy> emphatic particle
- drauga
noun; nominative singular masculine <drauga-> 'deceit, the Lie'
- draugam
noun; accusative singular masculine <drauga-> 'deceit, the Lie'
- draugā
noun; ablative singular masculine <drauga-> 'deceit, the Lie'
- draujana
adjective; nominative singular masculine <draujana-> 'deceitful, follower of the Lie'
- naibam
adjective; accusative singular neuter <naiba-> 'beautiful, pious'
- naimaiy
negative particle; <naiy> 'not' + enclitic personal pronoun; genitive singular <adam> 'I'
- naiy
negative particle; <naiy> 'not'
- nāma
adverb; <nāma> 'by name, named, called'
- nāmā
adverb; <nāma> 'by name, named, called'
- nipištā
verbal prefix; <ni> 'down' + past participle passive; accusative plural feminine <paiθ> 'inscribe, engrave'
- niyašādayam
verbal prefix; <ni> 'down' + verb; 1st person singular present imperfect indicative active causative <had> 'sit'
- niyaštāya
verbal prefix; <ni> 'down' + verb; 3rd person singular imperfect indicative middle <šta> 'sit, set, place'
- Nisāya
geographic name; nominative singular masculine <Nisāya-> 'Nisaya'
- nīšādayam
verbal prefix; <ni> 'down' + verb; 1st person singular present indicative active causative <had> 'sit'
- nīštāya
verbal prefix; <ni> 'down' + verb; 3rd person singular present indicative middle <šta> 'sit, set, place'
- nūram
adverb; <nūram> 'now'
- Paišiyāuvādāyā
geographic name; ablative singular feminine <Paišiyāuvādā-> 'Paishiyauvada'
- patikarā

- noun; accusative plural masculine <patikara-> 'picture, carved/incised likeness'
- patipayauvā
prefix; <patiy> 'against, during, with respect to' + verb; 2nd person singular present imperative middle <pā> 'protect'
- patiparsāhy
prefix; <patiy> 'against, during, with respect to' + verb; 2nd person singular present subjunctive active <parsa-> 'examine, read'
- patiyajatā
verbal prefix; <patiy> 'against, during, with respect to' + verb; 3rd person singular imperfect indicative middle <jan> 'smite, strike, slay'
- patiyazbayam
verbal prefix; <patiy> 'against, during, with respect to' + verb; 1st person singular imperfect indicative active causative <zbā-> 'call'
- patiyāvahyaiy
preposition; <patiy> 'against, during, with respect to' + denominative; 1st person singular imperfect middle <avahya-> 'ask for help'
- paranam
adverb; <paranam> 'before'
- parāgmatā
adverb; <parā> 'forth, forward, beyond' + past participle passive; nominative singular feminine <gam> 'go'
- pariy
adverb; <pariy> 'toward, with respect to'
- pariyaita
verbal prefix; <pariy> 'toward, with respect to' + verb; 3rd person singular present indicative middle <ay> 'go'
- parīdiy
verbal prefix; <pariy> 'toward, with respect to' + verb; 3rd person singular present imperative middle <ay> 'go'
- paruvam
adverb; <paruvam> 'previously, before'
- paruvā
adjective; instrumental singular masculine <paruva-> 'before, previous'
- parūvnām
adjective; genitive plural masculine <paru-> 'much, many'
- partaram
noun; accusative singular neuter <partara-> 'battle'
- parsā
verb; 2nd person singular present imperative <fraθ> 'ask, inquire, investigate, indict'
- parsā

verb; 2nd person singular present optative active <fraθ> 'ask, inquire, investigate, indict'

pasāva

adverb; <pasāva> 'after(wards)'

pasāvadim

adverb; <pasāva> 'after(wards)' + enclitic demonstrative pronoun; accusative singular masculine <di-> 'this'

pasāvamaiy

adverb; <pasāva> 'after(wards)' + personal pronoun; genitive singular <adam> 'I'

pātuv

verb; 3rd person singular present imperative active <pā> 'protect'

pārsa

adjective; nominative singular masculine <pārsa-> 'Persian'

Pārsa

geographic name; nominative singular masculine <Pārsa-> 'Persia'

Pārsaiy

geographic name; locative singular masculine <Pārsa-> 'Persia'

pārsahyā

adjective; genitive singular masculine <pārsa-> 'Persian'

Pārsā

geographic name; ablative singular masculine <Pārsa-> 'Persia'

puça

noun; nominative singular masculine <puça-> 'son'

fratamā

adjective; nominative plural masculine <fratama-> 'first, foremost'

framātāram

noun; accusative singular masculine <framātar-> 'lord, master'

frābara

verbal prefix; <fra> 'to, toward, forth' + verb; 3rd person singular imperfect indicative active <bar> 'bear, carry'

frābara

verbal prefix; <fra> 'to, toward, forth' + verb; 3rd person singular imperfect indicative middle <bar> 'bear, carry'

baga

noun; nominative singular masculine <baga-> 'god'

bagāha

noun; nominative plural masculine <baga-> 'god'

baratiy

verb; 3rd person plural present indicative active <bar> 'bear, carry'

Bardiya

proper name; accusative singular masculine <Bardiya-> 'Bardiya', known from Greek sources as Smerdis

Bardiya

- proper name; nominative singular masculine <Bardiya-> 'Bardiya',
known from Greek sources as Smerdis
- Bardiyam**
proper name; accusative singular masculine <Bardiya-> 'Bardiya',
known from Greek sources as Smerdis
- bavatiy**
verb; 1st person singular present indicative active <ah> 'be'
- bavātiy**
verb; 3rd person singular present subjunctive active <bu> 'be,
become'
- Bāgayādaiš**
proper name; genitive singular masculine <Bāgayādi-> seventh
month of the Persian calendar, September - October
- biyā**
verb; 2nd person singular present optative active <bu> 'be, become'
- biyā**
verb; 3rd person singular present optative active <bu> 'be, become'
- būmim**
noun; accusative singular feminine <būmi-> 'earth'
- būmiyā**
noun; locative singular feminine <būmi-> 'earth'
- brazmaniya**
adjective; nominative singular masculine <brazmaniya-> 'reverent'
- brātā**
noun; nominative singular masculine <brātar-> 'brother'
- magum**
adjective; accusative singular masculine <magu-> 'Magian'
- maguš**
adjective; nominative singular masculine <magu-> 'Magian'
- manā**
personal pronoun; genitive singular <adam> 'I'
- manā**
personal pronoun; genitive singular masculine <adam> 'I'
- maniyāhaiy**
verb; 2nd person singular present subjunctive active <man> 'think'
- maniyāhaiy**
verb; 2nd person singular present subjunctive middle <man> 'think'
- maniyāhay**
verb; 2nd person singular present imperative middle <man> 'think'
- marta**
past participle passive; nominative singular masculine <mar> 'die'
- martiya**
noun; nominative singular masculine <martiya-> 'mortal, man, human
being'

- martiyaibiš
noun; instrumental plural masculine <martiya-> 'mortal, man, human being'
- martiyam
noun; accusative singular masculine <martiya-> 'mortal, man, human being'
- martiyahyā
noun; genitive singular masculine <martiya-> 'mortal, man, human being'
- martiyā
noun; nominative plural masculine <martiya-> 'mortal, man, human being'
- mā
injunctive particle; <mā> (expresses prohibition)
- mātya
injunctive particle; <mā> (expresses prohibition) + relative conjunction; <tya-> '(so/in order) that'
- mātyamām
injunctive particle; <mā> (expresses prohibition) + relative conjunction; accusative singular neuter <tya-> '(so/in order) that' + personal pronoun; accusative singular <adam> 'I'
- Māda
geographic name; nominative singular masculine <Māda-> 'Media'
- Mādaiy
geographic name; locative singular masculine <Māda-> 'Media'
- mām
personal pronoun; accusative singular masculine <adam> 'I'
- māhyā
noun; genitive singular masculine <māha-> 'month'
- Mudrāyam
geographic name; accusative singular masculine <Mudrāya-> 'Egypt'
- yaudatim
present participle active; accusative singular feminine <yaud> 'rise up, bubble over'
- yaθā
adverbial conjunction; <yaθā> 'as, when, because'
- yadaišā
verb; 2nd person singular present optative middle <yad> 'revere, worship'
- yadataiy
verb; 3rd person singular present indicative active <yad> 'revere, worship'
- yadātya

- adverb; <yadā> 'where' + demonstrative pronoun; <tya-> 'he, this, that'
- yadāyā
adverb; <yadā> 'where' + <tya-> (corrupt form) 'that'
- yadipatiy
relative adverb; <yadiy> 'if, when' + adverb; <patiy> 'against, during, with respect to'
- yadimaniyāiy
relative adverb; <yadiy> 'if, when' + verb; 3rd person singular present indicative middle <man> 'think'
- yadiy
adverb; <yadiy> 'if, when'
- yadiyaiša
verb; 3rd person plural present imperative passive <yad> 'revere, worship'
- yātā
adverbial conjunction; <yātā> 'until, while, as long as'
- raucabiš
noun; instrumental plural neuter <raucah-> 'day'
- ragam
adverb; <ranga-> 'speed, haste'
- rādiy
adverb; <rādiy> 'on account of'
- vartaiyaiy
verb; 1st person singular present indicative causative middle <vart> 'turn'
- varnavatām
verb; 3rd person singular present imperative middle <var> active 'cover', middle 'choose, convince'
- vasiy
adverb; <vasiy> 'greatly, utterly'
- vašnā
noun; instrumental singular masculine <vašna-> 'will, favor'
- vazraka
adjective; nominative singular masculine <vazraka-> 'great'
- vazrakāyā
adjective; locative singular feminine <vazraka-> 'great'
- viθam
noun; accusative singular feminine <viθ-> 'house(hold), clan, royal court'
- viθiyā
noun; instrumental singular feminine <viθ-> 'house(hold), clan, royal court'
- viyakanam

verbal prefix; <vi> 'wide, apart' + verb; 1st person singular imperfect indicative active <kan> 'dig'

Viyaxnahya

proper name; genitive singular masculine <Viyaxna-> twelfth month of the Persian calendar, February - March

viyanāθaya

verbal prefix; <vi> 'wide, apart' + verb; <nāθ> 'injure, rend'

visam

adjective; accusative singular masculine <visa-> 'all, every'

visam

adjective; accusative singular neuter <visa-> 'all, every'

vispazanānām

adjective; <vispa-> 'all, every' + noun; genitive plural masculine <zana-> 'man'

Vištāspahyā

proper name; genitive singular masculine <Vištāspa-> 'Hystaspes'

Sikayauvatiš

geographic name; nominative singular masculine <Sikayauvati-> 'Sikayauvati'

šiyāta

adjective; nominative singular masculine <šiyāta-> 'happy'

šiyātim

noun; accusative singular feminine <šiyati-> 'welfare, peace, happiness'

škaurim

noun; accusative singular masculine <škauri-> 'weak'

zūra

noun; <zūra-> 'evil'

zūrakara

noun; nominative singular masculine <zūrakara-> 'evil-doer'

hauv

demonstrative pronoun; nominative singular masculine <hauv-> 'he, this'

hauvam

demonstrative pronoun; nominative singular masculine <hauv-> 'he, this'

haxāmanišiya

adjective; nominative singular masculine <haxāmanišiya-> 'Achaemenid'

hacā

adposition; <hacā> 'from, out of'

hatiy

verb; 3rd person plural present indicative active <ah> 'be'

hadā

- preposition; <hadā> 'with, together with'
- hadugām
noun; accusative singular feminine <hadugā-> 'record, statute'
- hamataxšatā
prefix; <ham> 'together' + verb; 3rd person singular imperfect indicative middle <taxš> 'be active, build, carve, make'
- hamapitā
adverb; <hama-> 'same' + noun; masculine singular nominative <pītar-> 'father'
- hamahyāya
adjective; genitive singular masculine <hama-> 'same' + demonstrative pronoun; locative singular feminine <a-> 'this'
- hamahyāyā
adjective; genitive singular masculine <hama-> 'same' + demonstrative pronoun; locative singular feminine <a-> 'this'
- hamātā
adverb; <hama-> 'same' + noun; feminine singular nominative <mātar-> 'mother'
- hamiçiya
adjective; nominative singular masculine <hamiçiya-> 'rebellious'
- haruva
adjective; nominative singular masculine <haruva-> 'all'
- hašiyam
adjective; accusative singular neuter <hašiya-> 'true'
- hya
relative pronoun; nominative singular masculine <hya-> 'who, what, which'
- hyavā
relative pronoun; nominative singular masculine <hya-> 'who, what, which' + conjunctive particle; <vā> 'or'

روز دی باذر از ماه امرداد سال ۳۷۴۲ دینی

۱۳۸۳/۵/۴

آرمین کسروی

این دفتر را به روز زامیاد ایزد و فروردین ماه ۳۷۴۲ دینی نو کردم.

۱۳۸۴/۱/۲۸

منابع:

Linguistics Research Center
The University of Texas at Austin

Encyclopedia Iranica

Old PersianText-Roland.G.Kent

Inscriptions- article by Jona lendering

هزاره های گمشده :: دکتر پرویز رجبی جلد دوم و سوم

بیستون :: مهندس علی اشرف پرگاری

فرمانهای شاهنشاهان هخامنشی: رلف نارمن شارپ